رساله در بیان مزارات هراة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل زیارة مراقد الاولیاء وسیلة
لحصول مقاصد العباد . والصلوة والسلام علی سید
الانبیاء وسند الاولیاء . وعلی آله وصحبه ورهطه
وحزبه صلوة نامیة دائمة الی یوم التناد اما بعد
فیقول الفقیر الداعی لدوام الحضرة السلطانی احقر
خلق الله الغنی عبد الله بن عبد الرحمن الحسینی
المشتهر بین کل الوعاظ باصیل الواعظ اعانه الله تعالی
فی اتمام مهماته . وبنیل مراداته . وتقبل بالحسنی دعواته

وحاجاته . هبطت الیک من المحل الارفع . ورقاء ذات
تعزز وتمنع . یعنی اشارت عالی متعالی جناب شریعت
مآب حقیقت ایاب مزین مسند شرع محمدی ومعین
معهد سنت احمدی لا زال قطب محور الملة الاحمدیة
منطبقا علی نقطة الاستقامة والاعتدال بعلو شانه
وسمو مکانه وارد شد که در پایه سریر همایون ومجلس
اعلی مبارک میمون بندگی حضرت [illegible] پناه پادشاه
اسلام ناظم امور انام ظل الله علی مفارق البرایا منقذ
الرعایا من مضایق الحوادث والبلایا ناشر مناشیر
العدل والاحسان . باسط بساط الامن والامان
قامع مواد الظلم والطغیان . المستعین من عواطف
المستعان والمستوثق بامداد عنایات الرحیم الرحمن

السلطان بن السلطان معز المعدلة والرأفة ومغیث
السلطنة والخلافة وغیاث الدنیا والدین ابو الفتح
سلطان ابو سعید گورکان خلد الله تعالی ملکه و
سلطانه واعز جنوده واعوانه ذکر مزارات متبرکه
قبة الاسلام هراة اعنی صینت الی وطاینها بجلال البرکات
میگذشت فرمان عالم مطیع جهان مطاع شرف نفاذ
یافت که اگر شرح مراقد اولیاء کرام واکابر عظام که
درین خطه مدفون شده اند در جزوی مضبوط کرده
وبشرف مطالعه نواب کامیاب رسد بنوعی که موجب
معرفت نشان وتمام ومفید نفع خاص وعام شود مناسب
وملایم خواهد بود امتثالا للحکم الرفیع الأعلی این رسالهٔ
نفیسه واین مقالهٔ انیقه در سلک نظم ورشته تحریر

مضبوط ساخت مشتمل بر مقدمه وسه باب وخاتمه
وآنرا مقصد الاقبال السلطانیه ومرصد الآمال الخاقانیه
نام کرده بعز عرض خدام سپهر مقام رسانید وباین بها
مجددا خود را در سلسلهٔ دعاگویان ابد پیوند گردانید امل
واثق وبرجاء صادق که بانظار قبول حجاب بارگاه کیوان
ایوان فلک اشتباه حضرت خلافت پناهی ای مهر و
دینار بنام تو مباهی منظور ومفتخر آید وبیامن عواطف
مطیفان عتبهٔ علیا مصراع مرا کام دو گیتی زان گشاید
وذلک فضل الله یؤتیه من یشاء ومنه الابتداء والانتهاء
خاتمه در بیان ماخذ زیارات وذکر آداب وشرایط
وارکان وضوابط آن وشرح روایات واخبار که درین
باب وارد شده وبثبوت پیوسته بدان وفقک الله

بحجۀ و یرضیه که مستحب است زیارت کردن اولیاء و
اتقیا و صلحا و پدران و مادران و عامۀ مؤمنان و در
شرعه زیارت قبور را از سنن اسلام شمرده و اصل روایت
از ابو حنیفه رحمة الله علیه آنست که زیارت قبور جایز
و باکی نیست در آن و اطلاق کلام او اقتضاء آن میکند
که زنانرا بگورستان رفتن جایز باشد و در خزانه تصحیح
این مقتضی نموده و در ذخیره آورده که زنانرا مکروه
نیست بزیارت رفتن زیرا که حدیثی که در باب نهی از زیارت
وارد شده منسوخ است و بعد از آن حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله و سلم باز رخصت فرموده اما ایشانرا ترک
اولیست ، و از کتاب مفید و مستفید مبالغه در کراهت
رفتن زنان بمقابر معلوم میشود و الله اعلم و فاضلترین

ایام زیارت را چهار روز است دوشنبه و پنجشنبه و جمعه
و شنبه فاما در روز آدینه بعد از نماز جمعه و در روز شنبه
پیش از طلوع آفتاب و در روز پنجشنبه اول روز رفتن اولی
بود و آورده اند که در شب جمعه و تمام روز آدینه و پیش از
طلوع آفتاب روز شنبه اموات از حال زایران وقوف
می یابند و همچنین در لیالی متبرکه خصوصا شب براة
و ایام شریفه مانند عشر ذی الحجة و عیدین و عاشورا
همین حکم دارد و چون خواهد که بزیارت رود مستحب
است که وضو سازد و در خانۀ خود دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی یکبار فاتحه و آیة الکرسی و سه نوبت سوره
اخلاص بخواند و در راه بما لا یعنی اشتغال ننماید و بسکون
و آهستگی برود و چون بمقبره رسد نعلین از پای بیرون کند

ودر برابر روی میت در نزدیکی ودوری چنان بنشیند
بحرمت که در حال حیات پیش او توانستی نشست بعد ازان
بگوید وعلیکم السلام ۰ اهل الدیار من المسلمین
والمؤمنین رحم الله المستقدمین منکم والمستاخرین
منا انتم لنا سلف ونحن لکم تبع وانا ان شاء الله
بکم لاحقون ۰ السلام علی اهل لا اله الا الله واگر در
گورستان کفار با اهل اسلام مختلط باشند بگوید السلام
من اتبع الهدی وسوره فاتحه وآیة الکرسی ویازده بار
سوره اخلاص وآیت کریمه فلله الحمد رب السموات
ورب الارض رب العالمین ۰ وله الکبریاء فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم بخواند ، ودر باب خواندن
سوره یس وتبارک در زیارة قبور آثار بود بوسیله

آنگاه بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله و روبقبله
آرد و دعا کند و روایتی هست که دعا کردن ایستاده اولیست
فایده در کفایه شعبی آورده که بر قبر بوسه نزند و در
کنز العباد آورده که باکی نبود قبر پدر و مادر را بوسه کردن
مسئله در گورستان خواب کردن مکروه هست کذا فی
التجنیس و در خانی آورده که بر قبر نشستن مکروه هست و پای
بر قبر نهادن مکروه هست مگر که ضرورت باشد و همچنین
گورستان را ممر ساختن مکروه هست و چون در مقبره راهی
بیند اگر در ضمیر او گذرد که آن طریق محدثست و نو پیدا کرده
اند مکروه بود بران رفتن واگر این معنی در دل در نیاید و
نداند که در قدیم راه بوده و یا اکنون پیدا شده باکی نبود ۰
مسئله نماز در مقبره گذاردن مکروه بود وقتی که قبر در پیش

روي بود ونماز كذارد جنانجه در موضع سجود مصلي واقع شود
واكر قبر در پس پشت افتد يا جندان از پيش روي دور بود كه
اكر آدمي دران محل بكذرد كراهتي نداشته باشد نماز توان
كذارد واكر خود ميان مصلي وقبر ديواري بود يا حايلي باشد
هيج كراهت نخواهد بود والله اعلم مسئله مكروهست
در كورستان بول وغايط كردن وهمچنين مكروهست
طعام خوردن وخنده كردن در مقابر جه مقرراست كه
آنجا محل حزن واندوهست وفكر در امور آخرتست وافعال
مذكوره است از حرص وغفلت خبر ميدهد نسال الله
العافية اين روايت فقها ومجتهدان مذهب حنيفه است
رحمة الله عليه كه معروض كشت اكنون منشا وماخذ
آنهارا از سنت سيد ابرار وآثار سلف اخيار بموقف انها

خواهد رسانيد ودقايق صوفيان وحقايق درويشان كه
درين ابواب فرموده اند در ذيل آن بعز عرض رسد انشاء الله تعالى
اميد كه اين جرات وجسارت برقم عفو واغماض مرقوم
شود بيت كاينجا كدا يا زاسپ برون از نمدي نيست ، باقي همه
الطاف خداوند جهانيست بدانكه فعل وقول حضرت نبوت
شعار رسالت دثار سيد انبيا وابرار صلي الله تعالي عليه
وآله وسلم در اواخر عمر شريف شبي از حجره شرف بيرون رفت
ومن در قدم او بودم تا بكورستان بقيع فرمود واهل كورستانرا
زيارت كرد وجندان دعاي خير در شان ايشان بتقديم رسانيد
كه من با خود كفتم جه بودي اي ابو مويهبه اكر تو داخل اين جماعت مي
بودي ودر كتب مسانيد وسير واردست كه سيد المرسلين ،
صلي الله تعالي عليه وآله وسلم دران سال كه بغزوه بني

لحیان فرموده بود بمنزل عسفان رسید در انجا قبر مادر خود را
امنه بشناخت و زیارت او کرد و گریست چنانچه مجموع
اصحاب و ملازمان را بگریه در آورد اما قول پیغمبر صلی الله تعالی
علیه و آله و سلم انکه غزالی بسند خود روایت میکند از عایشه
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده هیچ مردی نباشد
که بزیارت برادر مسلمان رود و پیش او بنشیند الا انکه صاحب قبر
با او انس گیرد و از ابو هریره مرویست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود چون بگذرد مرد مسلمان بر سر قبر
مسلمان دیگر و برو سلام کند خواه شناسد و خواه نشناسد
صاحب قبر البته از گور جواب او خواهد گفت و در اخبار بثبوت
پیوسته که حضرت رسالت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
فرموده عرض میکنند اعمال بندگان را در روزهای دوشنبه و پنجشنبه

بر خداوند سبحانه و تعالی و در روز جمعه اعمال ایشان را بر پیغمبران
و پدران و مادران ایشان معروض میدارند پس شاد میشوند
به نیکوییها فرزندان و سفیدی رویی ایشان زیاده میشود
و در خبر دیگر باین عبارت وارد گشته که بدرستی که عملهای
شما بر خویشان و نزدیکان عرض میکنند اگر اعمال حسنات
می بینند شادمان میشوند و اگر سیئات می باشد ملول
میگردند و میگویند خداوندا الهما ایشانرا چندان که توبه کنند
و راه راست دریابند و ازین نحو بسیاری از اخبار و آثار
و حکایات صالحان محقق میگردد که اموات از احوال احیا
خبر می یابند و بزیارت یاران و دوستان انس حاصل
میکنند و از بعضی صوفیه مرویست که گفته اند روح زایرا
نور عمل بیشترست و ارواح اصحاب قبور را نور تجلیات

ربانی پیش تر هرگاه که احیا بزیارت اموات روند ارواح ایشان
با یکدیگر متقابل شود و انوارشان بهم پیوسته گردد هر آینه
نفع زندگان بمردگان و فایده از مردگان بزندگان رسید
و مرشد الطریقه شیخ شهاب الدین سهروردی قدس
سره در کتاب عوارف المعارف می آورد که ارواح در برزخ و محال
خود هموار در جولان می باشند و احوال اهل دنیا و اوضاع
ایشان مطالعه میکنند و از عوالم قدس نیز استفاضه
می نمایند و غرض از ایراد این کلمات آنکه بنظر انور رسیده
نماند که زیارت قبور را منافع و فواید بی پایان هست
و اگر صاحب قبر از ابرار و عرفا باشد هرچه زایر با او بگوید
دریابد و شعور بران حاصل کند بلکه جواب بگوید و اگر
زایر اهل دل و خداوند کشف بود از آن گفت و گوی خبر دارد

علم اهل القبور والزوار

شود مشهور است که شیخ الاسلام ابو اسحق آدمی قدس سره
شاگردی داشت که صحیح بخاری بر وی میخواند و استاد و
شاگردی از اهل معنی بودند هنوز نسخه تمام نشده بود که
شیخ را متقاضی اجل بقبض روح قیام نمود در حالت نزع
شاگرد گفت شیخا تو رحت زندگانی بر میبندی و قرآت
من در میانه ماند وظیفه چیست شیخ فرمود باکی نیست
هر روزه وقت سبق می آی و پیش روی من می نشین و میخوان
بآن منوال کاربند شد هرگاه غلطی بخواندی شیخ از قبر
تلقین صواب فرمودی تا کتاب را تمام کرد مسئله بدانکه
خواندن قرآن مجید بر سر قبر بقول امام محمد حسن شیبانی
رحمه الله جایز است و فتوی اکنون برین قول است و اگر
خواننده ثواب قرأت را بمیت بخشد مزد آن بروح وی واصل

شود و اگر چنانچه قاري ثواب تلاوت خود را بصاحب قبر
بخشد نفع و فیض آن بي شبهه بميت خواهد رسيد مويد
این معنی آنکه در صحاح وارد است که پیغمبر خداي صلی الله
علیه و آله وسلم بر دو گور بگذشت و بنور نبوت معلوم
کرد که ایشانرا عذاب میکنند دو شاخ سبز طلبید و هر یکی
ازان در گوري فرو برد و فرمود تخفیف عذاب از ایشان ارزانی
دارند مادام که این دو شاخ سبز باشند و خشک نشوند
چه معتبر است که شاخ سبز ذکر حق میگوید و چون خشک
شد از ذکر باز مي ماند هرگاه ذکر نبات نفع میرساند بميت
معین بود که تلاوت قرآن از مومن موحد نافع و موثر
خواهد بود انشاء الله تعالی فایده در بعضی از کتب
معتبره دیده ام که مستحب است بمساجد قدیمه و معابد

کریمه و صوامع و خلوات اکابر و اولیا رفتن و بصدق توجه
ازانجاها فیض گرفتن چه بصحت رسیده که پیغمبر خدا صلی الله
علیه و آله وسلم روزهاي شنبه از مدینه سکینه بمسجد
قبا میفرمود گاهي سوار و گاهي پیاده و قصه خلوت و انزوا
آنحضرت در غار حرا شهرت دارد والله اعلم بعد از تمهید این
مقدمه بعز عرض نواب کامیاب میرساند که مباني این رساله
تنشیه مي یابد بر سه باب برین موجب که مفصل میگردد

باب اول در ذکر مرقد جمعی از بزرگان و اولیا که در
عرصه قبة الاسلام و توابع مدفون گشته اند از قدیم الایام
و ابتدای فتح اسلام تا انتهای زمان خاقان صاحب قران
مغفور قطب السلطنة والدنیا والدین امیر تیمور گورکان
انار الله برهانه و اسامي شریفه ایشان در تاریخ هراة و طبقات

مشایخ هراة وغیر آنها از کتب ورسایل مذکور شده وبیان شمه
از فضایل ومقامات آن طایفه سامیه وعرض از ایراد این
حکایات آنکه بر ضمیر منیر روشن کردد که رتبت ومنزلت
آن بزرکان تا بچه غایت رسیده وکی وفات یافته اند و
منشا ومولد شان کجا بوده ، وبلا شبهه وقوف برین احوال
واوضاع مفید کمال حسن اعتقاد وصدق توجه خاطر
خواهد بود بدان اسعدک الله بنیل مقاصد الدینیة
والدنیویة که اقدم این جماعت واکمل ایشان اسوة العترة
الطاهرة قدوة الاسرة الباهرة الامام الهمام والعلم
المشهور بین الانام مقتول الملک الجبار عبد الله بن معویة
بن عبد الله بن جعفر طیار رض المشهور بسید السادات
از اکابر اولیا واقطاب زمان خود بوده در علم ظاهر وباطن

سر آمده وشوکت فراوان وشجاعت بسامان داشت بتمهیدات
خلق را بطریق حق دعوت میفرمود وبا وضیع وشریف طریق
شفقت وکرم مسلوک میداشت بمقتضی الانسان عبید
الاحسان بسیاری از اهل اطراف واکناف بخدمت او
میل میکردند تا بمرتبه رسید که در نواحی فارس واصفهان
خطبه بنام او خواندند بعد ازان حکام بدفع وقمع او اشتغال
نمودند ولشکر انبوه بسر او فرستادند وقوم او را متفرق ساختند
وآن بزرک با خواص خود بکریخت وبقهستان آمد ابو مسلم
مروزی بشبل بن طهمان که از قبل او در هراة حاکم بود نامه
نوشت که بهر نوع مکر وحیله که میسر شود او را نزد خود طلب
پس شبل هدایای تمام مرتب ساخت ومکتوبی در غایت
تعظیم نوشت وباحترام تمام بجانب او فرستاد وآمدن

هراة او را ترغیب نمود و متعاقب استمالت و تحف بطرف او
روان میکرد و فریب میداد تا با سفرا رآمد و از انجا بشهر تشریف
داد در درب خشک آن بزرک دین را فرود آورده و
منیا ومه و اقامت نیکو بجهت وی تعیین نمودند تا خاطرش
تسکین یابد پس شبل خبر با بو مسلم فرستاد که آنچه مقصود
بود بحصول پیوست ابو مسلم پنهانی نشان نوشت که کار
او را آخر کن و سرش را روان ساز آخر الامر سید مشار
الیه بدانست که شبل قصد قتل او دارد خواست که بگریزد
فرار میسر نشد پس اول را بند کرد و بعد از چند روز بقتل
رسانید و سر مبارکش بنزد ابو مسلم فرستاد و بدنش
در کهندز مصرخ در این محل که معروف و مشهور است
مدفون ساختند و این واقعه عظمی در سال صد و سی

و چهار از هجرت واقع شد آورده اند که بعد از اندک مدتی
شبل برنج عظیم کرفتار شد و با قبح وجوه بسفر سقر رسید
و جناب ولایت مآب شیخ الاسلام مبرور ابو بکر تاییادی
فرموده شبی در مصرخ بسر روضه سید عبدالله بسر بردم
و در ارواح اولیا نظر کردم از مشهد تا مصرخ هیچ روحی
بزرکوار تر از روح او ندیدم و مقرر است نزد اصحاب کشف
و ولایت که هر شب جمعه ارواح اقطاب و اوتاد در آن
مزار متبرک حاضر میشوند و در تاریخ هفتصد و هفتاد
و شش از هجرت سلطان محمد کرت کنبدی بر سر ایشان
بنا کرده و حالیا رو در انهدام داد عمرها الله بفضله و
کرمه **دیگر امام صدق و یقین ابو القاسم بن جعفر بن
محمد بن زید بن زین العابدین علیهم التحیة و الاکرام**

هم در مضرخ مدفون است وشیخ یحیی عمار که استاد ومربی
خواجه عبدالله انصاری بوده روح الله روحهما همواره
با خواجه وصیت میفرموده که پیوسته بزیارت قاسم بن
جعفر میرو ولذ روح مقدس او استمداد همت می نمای
وشیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره بکرات
میگفته در شب جمعه هر دعا که در کهندز مضرخ بتقدیم
رسانند امید چنانست که باجابت مقرون کردد ودر هراة
پیران هستند که از بزرگان ما تقدم شنیده اند که قبر آن
امام بتحقیق کجا است واکثر مردم بیقین نمیدانند اما مشتبا
در مضرخ است پس طریقه زیارتهای چنین آن بود که در مقبره
مذکوره درآیند وبنیت او فاتحه واخلاص وتکبیر بخوانند وثواب
آنها را هدیه روح او سازند وبآن وسیله مرادات و

مقاصد خود را از حضرت قاضی الحاجات بطلبند والله الموفق

دیگر عابده عصر وولیه دهر بی بی ستی از مشاهیر
دوستان ومستجاب الدعوه بوده نظر تمام بابو مسلم
مروزی داشت وبهمت آن عارف کارهای شکرف در
نیشابور و هراة از دست ابو مسلم برآمد ودر اول حال شوهری
داشت واو را ابو نصر شیر و میگفتند وهر دو باتفاق عیاری
میکردند در آخر کار دری از غیب بر روی او بکشودند واز
خلق گوشه گرفت ومتوجه راه حق شد وکارش بالا گرفت
ودر سال صد وپنجاه از هجرت وفات یافت ودر بازار خشتان
اندرون شهر هراة مدفون شده وقبرش معروف است و
پیوسته اهالی مملکت شمع ونذر بانجا می برند ودر ایام سلطنت
خاقان سعید میرزا شاه رخ بر سر قبر او عمارتی ساخته

وزیارت او آزموده است وتربت مجربست رحمها الله ذیکر
امام متقی عارف عالم شیخ عبد الواحد بن مسلم در علوم
ظاهره وباطنه خصوصا در فن حدیث وتاریخ بغایت
کامل بوده ودر زمره اولیاء کبار معدود گشته منقول است
که ابو الفضل اسحق گفت در واقعه دیدم که دو مرغ سفید بر فصیل
شهر هراة نشسته بودند یکی از انها با دیگری میگفت پر خود را
در زیر این شهر در آورده آنرا زیر و زبر کن و ویران ساز جواب
داد که نمی توانم واز روح مقدس امام عبد الواحد بن مسلم
شرم میدارم ودر طبقات مشایخ هراة آورده که یکی از پیران
طریقت گفت در سر تربت امام عبد الله الواحد نشسته بودم
ناگاه کلبی پای شکسته در آمد ودر پایین قبر امام عبد
الواحد بایستاد وبزاری تمام ناله میکرد ومیگریست وپای

خود را بر خاک قبر او میمالید اندک زمانی بر آمد پای او درست
شد وبیرون رفت قبر مبارکش در بیرون درب فیروزآباد است
در محله خابخه باد وپیوسته اکابر اولیاء هراة مثل سید
عبد الله مختار وشیخ عمو وشیخ ابو عبد الله مالینی و
غیرهم ملازمت مزار آن بزرگوار بتقدیم میرسانیده و
بسیاری از اهل دولت افتخار رسیده اند وفی الحقیقه قبله
دعا وکعبه اجابتست اللهم لا تحرمنا من برکاته ذیکر
قطب المحدثین خواجه ابو الولید احمد بن ابی الرجا عبد
بن ابو ایوب الحنفی الهروی رحمة الله تعالی از اکابر علما
ظاهر وباطن بوده واو هروی الاصل است از قریه آزادان
که در شمال قبله هراة واقع است با احمد حنبل که یکی از ائمه
اسلام است بسیار صحبت داشته وسلطان اهل حدیث

ابو عبد الله محمد بن اسمعیل بخاری و امام دارمی سمرقندی صاحب
سنن پیش او حدیث خوانده و در کتاب خویش مکررا ازو
نقل کرده اند و در سال دویست و سی و دو از هجرت در هراة
وفات یافت و در قریه مذکور مدفون شد و قبر مبارکش
معروف و مشهور است و سلطان محمد کرت بر سر تربتش گنبدی
بنا کرده و حالی معمور است و الحمد لله و فضایل و کمالات آن
بزرگ بیش از آنست که در حیز تحریر آید مشهور است که سی هزار
نفر بر جنازهٔ او نماز گذاردند و چنان شهرت دارد که خواجه
ابو الولید هر جمعه نماز آدینه در مسجد الحرام میگذارد
و شب بمنزل خود مراجعت میفرمود و خاقان سعید انار
الله برهانه مادام که در هراة می بود هر چهار شنبه بمزار متبرک
ایشان میفرمود و برف و باران مانع آن نمیداشت و نی عذر

مرض هرگز آنرا ترک نمیکرد و خواص و عوام قبة الاسلام از
زیارت آن مزار منافع کلیه یافته و می یابند اللهم
حصل مراد نا بهمة العلیة دیگر امام عارف مرکز دایرهٔ علم
و حلم و آزادی الشیخ علی بن الموفق البغدادی از اکابر
مشایخ عراق بوده و با ذو النون مصری و اقران ایشان صحبت
داشته و مشهور است که هفتاد حج گذارده بوده نوبتی از
حج مراجعت کرده بود با خود میگفت این همه می آیی و می
دوی چه حاصل کرده آیا از مقبولان یا از مردودانی شب
بواقعه دید که حضرت حق با او خطاب فرمود که یا ابن الموفق
تو انکس را بخانهٔ خود میطلبی که میخواهی اگر من ترا نخواستمی
کی بخانهٔ خودت راه میدادم خواجه عبد الله انصاری در طبقات
مشایخ ذکر او فرموده و تاریخ وفاتش تعیین نکرده اما از طبقة

ثانیه اش شمرده وجامع طبقات مشایخ هراة اورا درطبقه
ثالثه معدود ساخته والقول ما قال الاکابر ومیکویند
مدفنش در اندرون دیوار مسجد خانقاهیست که واقعست
در قرب سفید مشهورست که شیخ الاسلام خواجه عبد
الله انصاری قدس سره هر وقت سوار بانجا رسیدی
فرود آمدی وبادب بکذشتی اما در طبقات خواجه
تعیین مدفن آن بزرک ننموده واز کتب اسماء رجال ومحدثان
عیز این معلوم میشود ومورخان هراة آورده اند که بعضی
میخواستند که جسد اورا ببرند وببغداد برند زیرا که او
بغدادی الاصل بوده اهل قبة الاسلام این حال معلوم
کردند بر بالای او دیواری ساختند تا مضبوط ماند
والله اعلم بحقیقته اکر زایران محل مبارک بصدق نیت

توجه نمایند بروح خواجه علی الموفق جسد مبارک او هرجا که
باشد کو باش روح مقدس اش البته امداد واعانت خواهد
فرمود دیکر امام عارف زاهد ارجمند قطب الحق والدین
خواجه رخ بند رحمه الله تعالی مصاحبت با خواجه ابو
الولید بسیار نموده وپیوسته نقابی بر روی خود می
اویخت تا چشمش بر دنیا وما فیها نیفتد باین سبب اورا
خواجه رخ بند میکویند شهرت دارد که هر کس در هراة
بیمار شدی یک کز کرباس ویک دینار نذر او کردی صحت
یافتی ودر قدیم الایام هیچکس از پیش مزار او سواره نتوانستی
کذشت تا روزی پیر هراة خواجه عبد الله انصاری بسر
تربت آن بزرک آمد وزمانهای دیر توقف فرمود وتوجه
تام بتقدیم رسانید بعد از آن سواران امیر شد از انجا

گذشتن مدفن مبارکش در اندرون شهر هراة است و تپه
محله قضاة و اهالی مملکت از زیارت آن مرقد فیض تمام
می یابند و دیگر امام ابو الحسن کردی از محدثان و فقها
و حفاظ و زهاد روزگار خود بوده مشهور است که هشتاد
هزار حدیث یاد داشته و فاتش در سال دویست پنجاه و پنج
از هجرت و مدفنش در هراة من غیر تعیین عندنا دیگر
شیخ ابو الهیثم رازی رحمة الله در علم لغت و فن ادب بی
نظیر بوده و فاتش در سال دویست و هفتاد از هجرت
و مدفنش مقبرهٔ درب خشک و مزار مبارک او را تریاق
مجرب خوانده اند دیگر افتخار آل طه و پیر مقتدی الابرار
ابو عبد الله مختار بن محمد الهروی رحمة الله سید و پیشوای
مشایخ هراة و در علم صورت و معنی بی نظیر بوده و فاتش

در سال دویست و هشتاد و هفت از هجرت و کرامات و خوارق
فراوان از آنحضرت ظهور یافته و مدفنش در کوه شمال هراة
معروف و مشهور از سادات حسینی بوده و پیوسته اهل
قبة الاسلام بزیارت او توسل میجویند و بمقاصد و حاجات
فایز می آیند دیگر عثمان دارابی در علم ظاهر و فن تصوف
نیک ماهر و شافعی المذهب بوده و مشایخ و علمای هراة
از و استفاده نموده اند در سال دویست و هشتاد از
هجرت در هراة وفات یافت و مدفنش خدایان اما اکنون
قبرش بتعیین معلوم نیست والله تعالی اعلم دیگر امام
محدث ابو سعد یمین رحمة الله تعالی مقتدای اهل هراة
بوده و در زهد و ورع و علوم ظاهره و باطنه ید طولی
داشته و مصنفات او اکنون در میانست منقولست

که یکی از امام موسی بن هرون مسئله پرسید از سائل سوال
کرد که تو از کجایی جواب داد که از هراة گفت مسئله از من می
پرسی وابوسعد در شهر شماست وفاتش دویست ونود از هجرت
ومدفنش مقبره درب خشک ودر جوار قبر وی بسیاری
ازاکابر که اقارب واولاد او بوده اند مدفون گشته اند
رحمهم الله دیگر شیخ عبد الرحمن بن محمد بن علی طهمانی
رحمة الله مشهورست که هفتاد هزار سال در هراة در مسجدی
معین روز بروزه وشب باحیا میگذرانیده ووجه معاش
از دست رنج خود حاصل میکرد سال وفاتش معلوم
نشده فاما اورا از طبقه ثالثه شمرده اند ومدفنش در مقبره
درب خشک نزدیک قبر امام سعد مهین دیگر نقاوه
خاندان طیبین وطاهرین سید ابو معلی ابن مختار

مذکور رحمهما الله از اکابر ایمه دین وافاضل علمای اهل یقین
وسید وزاهد وقت خود بوده وکرامات بلند ومقامات
ارجمند داشته واز تلامذه واصحاب پدر خود سید ابو عبد
الله مختار بعلو مرتبه امتیاز داشت سال وفاتش معلوم
نبوده فاما در پایین قبر پدرش دفن کرده اند رحمهما الله
دیگر فقیه زاهد عابد ابو عثمان عزیزی رحمه الله
از جمله فرزندان سید ابو عبد الله مختار بوده واورا
سوخته شوق حضرت میگفتند ودر رعایت آداب
بغایت راسخ بود مشهورست که هرگز بطرف هراة آب دهان
بینداخت بجهت آنکه پیر او آنجا بود تاریخ وفات او بتعیین
معلوم نشده مدفنش در خابخه باد در زیر قدم امام
عبد الله الواحد بن مسلم رحمهما الله دیگر امام محمد بن ابی

سعدی از زهاد و اتقیاء روزگار بوده و مزار او رابطه حاجات
میخوانند و فاتش سال سیصد و پنج از هجرت و مدفنش
قریه زبردان از بلوک ... دیگر شیخ عارف امام عبدالله
عروه بانواع علوم ظاهر و باطن معروف بود مدت هشتاد
در زهد و ورع کذرانید و فاتش سال سیصد و یازده از
هجرت و مدفنش مقبره درب خشک دیگر شیخ محقق متعبد
محمد بن عثمان دارانی در علم و امانت و صلابت قایم مقام
پدر شد و فاتش سال سیصد و سی از هجرت و مدفنش
قریب قبر پدر در مقبره خدابان دیگر امام متورع مجتهد ابو
علی حامد بن محمد رفا استاد در فقه و سایر علوم و پیوسته
بوعظ و نصیحت مشغول بود و بنزدیک خواص و عام مقبول
و فاتش سال سیصد و پنجاه و شش از هجرت مدفنش در اندرون

شهر هراة در محله دیگر امام زاهد عابد شیخ
ابو حامد بن احمد شارکی از اکابر علما و فقها و حدیث و تفسیر
بوده و در فنون علوم مصنفات دارد و فاتش سال سیصد
پنجاه هشت و مدفن او مقبره درب خشک دیگر امام همام
قطب الوقت و شیخ الابدال شیخ ابو اللیث فوشنجه شیخ
الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره در مصنفات
خود آورده که ابو اللیث فوشنجی از عرفا سادات بوده و پیوسته
پای برهنه در خرقه جولیده میرفته و یک شبانروز متصل
در یک منزل هرگز نبوده فردا و حیدا گرد عالم میگشت مشهور است
که ابو اللیث فوشنجی در رود هراة غرق میشد گفت خدایا مرا
خلاص کن که سه نوبت سوره اخلاص از بهر تو بخواندم فی الحال
دستی از غیب پدید آمد و او را خلاص کرد اینید روزی

نه سال از ان واقعه گذشت و میسر نشد مرا که یک نوبت اخلاص
موعود بخوانم هر بار که گویم قل هو الله احد از حق می‌شنوم
که میفرماید که هیچ میدانی احد کیست چندان ذوق
وشوق بر من استیلا می‌یابد که مجال نطقم نمی‌ماند از سر آن
در میگذرم وفاتش معلوم نیست اما مدفنش در خدابان در
مقبره که به تل قطبان مشهورست واقع شده تربت منوره او
لذهه بالات و باقی اقطاب هریدان و همصحبتان او بوده
اند وانکس که اندک صفایی داشته باشد در یابد که چه مقدار
فیض و حضور در انجا میرسد ذکر شیخ زاهد متورع محمد
بن عبدالله قصار هروی شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری
قدس سره بسیار مدح او میفرموده و از اکابر زمان خود
بوده خرقه از شیخ ابو اللیث فوشنجه پوشیده و در افزان محمد

نفیسه و شیخ عمو معدود گشته تاریخ وفاتش معلوم نیست
اما قبرش در خدابان معروف و مشهورست میگویند پدرش
کازری میکرده و سنگ کازری او را بر سر قبر خواجه محمد
نهاده اند و حالا موجود نیست و این فقیر در مزار مبارک وی
بسیار فیض یافته ذکر شیخ الاولیا محمد ابو العباس عوزنای
رحمه الله شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره
در مصنفات خود آورده که او از بزرگان این طایفه بوده
و اشراف فتوح و قلوب داشته تاریخ وفاتش تحقیق نشده
اما قبرش در عوزدان از بلوک گذاره است ذکر قدوه
المشایخ والمحققین خواجه ابو زید بن احمد غزی از کبار
اولیا و ارباب کشف و یقین بوده و در علم فقاهت و
زهد و ورع کمال تمام داشت و کرامات و خوارق عادات

بسیار از وظاهر میشد و از تلامذه مزنی و بوبطی و ربیع بود
و ایشان شاگردان شافعی مطلبی بودند مشهورست که خواجه
عبدالله انصاری شاگردی امام ناصر الدین مرغزی و او
شاگردی امام ابو زید مرغزی نموده سال وفاتش به
تحقیق نپیوسته فاما مدفنش در اندرون شهر هراة در غربی
مسجد آدینه و قبر و مزار او معروف و مشهورست رحمه الله

ذکر امام محدث متقی شیخ ابو عبدالله احمد بن عبدالرحمن مالینی

از بزرگان مشایخ هراة و از اقران شیخ عمو بوده با یکدیگر
بحج رفتند و بصحبت مشایخ هراة رسیدند و همه اهل هراة با وی
بیعت داشتند خواجه عبدالله عروه فرموده بعد از حسن
بصری از مشایخ هیچکس بقدر و منزلت شیخ احمد مالینی
نبود از سال وفاتش معلوم نشده فاما مدفنش در طالقان

مالین است و مرقد وی مشهور و معروفست و شهرت
یافته که شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری هر چهار شنبه
بزیارت او میرفته و بهر حاجت که زیارت او کنند مقصود
حاصل شود

ذکر شیخ الزهاد و العباد ابو نصر هروی

شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره فرموده
که شیخ ابو نصر از بزرگان مشایخ کار دیار کاهست جمعی از شاگردان
او بحج رفتند بی اجازت شیخ پس در راه بشیخ حصری رسیدند
فرمود یکی از شما چیزی بخوانید شخصی از آن میان بخواندن
مشغول شد حصری بیخود گشت و بسماع در آمد و در اثنای
آن حال فرمود امسال شما را بار نیست باز گردید بعد از آن
گفت شما شاگردان ابو نصر هروی نیستید گفتند بلی
فرمود چرا بی دستوری او بیرون آمده اید مراجعت کنید

وپیش او رویدهر کس که باز کشت بسلامت بماند وجمعی که
نشنودند ومتوجه حج شد در راه بسموم بسوختند قبر او
در کازیارکاهست اما معین نیست که در چه محل واقع
شده وتاریخ وفاتش نیز محقق نشده رحمة الله تعالی دیگر
شیخ الموحدین خواجه قطب الحق والدین فتیح الهروی
شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره فرموده
فتیح پیری باشکوه وصلابت بوده وخداوند ولایت وفاتش
سال سیصد وهشتاد وهشت از هجرت وقبرش در کازیار
کاه است لاعلی التعیین دیگر شیخ الابدال والعارفین کمال
الحقیقة والدین خواجه خیرجه از اکابر اقطاب وابدال
هند ومستجاب الدعوه بوده وشیخ الاسلام خواجه عبدالله
انصاری قدس سره در طبقات ذکر او فرموده مشهور است

که هر کرا درد دندان یا درد چشم یا مرضی دیگر پیدا شدی بر فتی
بتربت خواجه خیرجه والتماس فاتحه نمودی فی الحال که او سوره
فاتحة الکتاب بخواندی آن مریض از علت خلاص شدی
وقتی دانشمندی را درد دندان کرفته بود پیش او رفت فاتحه
خواند وبرو دمید شفا یافت آن دانشمند کفت یا خیرجه
فاتحه درست نمیخوانی بیا تا این سوره را با تو درست سازم
خواجه فرمود تو دل خودرا درست ساز وبعد از آن تا آخر هیچ
حال ملتفت نشد مشهور است که او غلام شخصی بود از
تجار مالک او ازوی خوارق وکرامات مشاهده میکرد پس
در آخر کار اورا آزاد کرد اینجا خواجه عبدالله انصاری
قدس سره فرموده من پسر سید او را دیده وبعضی از احوال
ربیعه خیرجه شنیده ام قبر مبارک او در کازیارگاهست

بالاتر از مزار شیخ الاسلام از طرف شمال مایل بشرق و زیارت
آن بزرگ تریاک اکبر است و بسیار آزموده دیگر قطب
المشایخ ابو عبدالله محمد بن الفضل الطاقی السجزی الهروی
المشهور بخواجه طاق در علوم شریعت و طریقت و حقیقت
درجه علیا داشت و رسوم صوفیه و اشارت ایشان نیکو
میدانست و ولایت و فراستش از حد بیان گذشته
بود و در طهارت مذهب و قوت اعتقاد عدیل نداشت
شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره
فرموده که هرگز هیچ حضرت با هیبت از عبدالله طاقی
ندیده ام و او پیر منست و اگر او را نمی دیدم اعتقاد سنیان
نمی دانستم نقلست که خواجه عبدالله طاقی فرموده من
هزار پیر دیده ام همه از اهل کرامت بوده اند وفاتش سال

چهارصد و شانزده از هجرت و مدفنش مقبره درب
خشک از طرف جنوب و خاقان سعید شاهرخ انار الله
برهانه بر سر تربت او عمارتی ساخته و همواره بزیارت
ایشان میفرمود دیگر امام و قاد مقتدای اهل
عرفان ابو عبدالله محمد بن الیمانی از مشایخ شیخ
الاسلام خواجه عبدالله انصاری و محدث و زاهد
زمان خود بوده و بر طریق صحابه و سلف زندگانی
میگذرانیده و هرگاه که خواجه عبدالله انصاری قدس
سره از وی نقل حدیث فرمودی گفتی روایت میکنم
از بزرگی که چشم من مثل وی ندیده وفاتش سال چهارصد
و شانزده از هجرت و مدفنش معلوم نیست رحمة الله دیگر
امام زاهد متقی یحیی بن عمار سجستانی پیشوا و ناصح

ومعتقد فیه اهل هراة بوده و علم ظاهر و باطن بکمال
میدانست در رتبهٔ الاسلام قریب شصت سال نصیحت
مسلمانان میفرمود و سالها با شیخ ابومنصور یزد
خواجه عبدالله انصاری مصاحبت نموده و در تقویت
و تربیت خواجه عبدالله انصاری پیوسته میکوشید
مشهور است که تا یحیی بن عمار زنده بود هیچ آفریده
بر خواجه عبدالله انصاری در بحث و مجادله غالب
نتوانست شد و با اصحاب خود میگفت که گرامی دارید
عبدالله انصاری را که او امام روزگار خواهد شد و وفاتش
سال چهارصد و بیست و دو و مدفنش در مقبرهٔ خدایان
نقلست که بعد از وفات او را بخواب دیدند و از وی
پرسیدند که خدا با تو چه کرد جواب داد که چون از دنیا

رحلت کردم حضرت حق با من فرمود ای یحیی عمار با تو
کارها داشتم اما روزی در مجلس وعظ ما را میستودی
یکی از دوستان صاحب کمال حاضر بود وقتش خوش
شد ترا در کار او کردم و اگر نه این بودی میدیدی که با
تو چها بجا می آوردم **ذکر خواجه عبدالرحیم دشت
یلان** از استادان شیخ الاسلام خواجه عبد
الله انصاری بوده و احوال و مقامات او فوق الحصر
والبیان است مدفنش دشت یلان میان زیارتگاه و مرغاب

**ذکر شیخ الکبیر ابو اسمعیل احمد بن محمد بن حمزة
الصوفی المشهور بشیخ عمو** او را شحنهٔ مشایخ خراسان
میگفتند در علم فتوت و توکل با کمال بود منزل در اندرون
شهر داشت آنجا که اکنون خانقاه قاضی جلال الدین است

وازهر طرف درویشی که بهراة آمدی بمنزل و رفتی و شیخ
الاسلام خواجه عبدالله انصاری بیست سال خدمت
خانهٔ وی میفرمود و منصب وی آن بود که هر دانه که در مطبخ
وی می پخشند او آنرا پاک میکرد و شیخ عمو در حدیث اسناد
عالی داشت و با بسیاری از مشایخ عظام مصاحبت
نموده بود و مریدان فراوان در رسانیده و صوم دهر میکرد
عمرش نود و شش سال و وفاتش بعد از چهارصد و چهل
و یک از هجرت واقع شد و قبرش در کازرگاه است معروف
و مشهور نزدیک رباط و مسجد جامع که در قدیم الایام
بوده و در ایام سلطنت خاقان سعید مولانا اعظم مولانا
رکن الدین خوافی ببنیاد بتجدید بنای آن فرمود و باتمام
نرسید دیگر شیخ الاسلام و کعبة الانام مهبط خیر و برکات

پیر هراة منظور انظار حضرت باری ابو اسمعیل خواجه
عبدالله انصاری قدس الله تعالی سره العزیز از نسل
ابو ایوب انصاریست که از کبار اصحاب مدینه و اخیار آن با
فضل و حلم و سکینه بوده و کمالات و بزرگی خواجه بمرتبه
رسیده که شرح آن در مجلدات نتوان نوشت و بعد از
ابو العباس قصاب و شیخ ابو الحسن خرقانی قطب وقت
و غوث زمان شد در کهندز هراة متولد شد و چون بسن
چهارده سالگی رسید الجا بوعظ و نصیحت اشتغال نمود
و میفرمود که من خود را در گهواره یاد دارم که گنجه کرم
میکردند و بر ربک می نهادند و شش ماه بیش شیر نخورد
و گاهی میفرمود که من هزار بیت عربی یاد دارم احادیث
محفوظش سیصد هزار و بخدمت هزار شیخ رسیده

وازهفصد نفر حدیث شنوده و مصنفات نفیسه در
عالم انتشار یافته مثل تفسیر قرآن ومنازل السائرین
ومعتقد وطبقات وغیرها مشهور است که در فوق شیخ
ضعیفه باخبر بود در ان شب که خواجه متولد شد
در واقعه حضرت را او فرمود که امشب در هراة فرزندی
بدنیا آمده که از مشرق تا مغرب از فضل وی پر شود
تربیت کلی از شیخ ابوالحسن خرقانی وخواجه عبدالله
طاقی یافت آورده اند که خواجه میفرمود من در دنیا
بلند درجه تر از دو کس ندیدم شیخ ابوالحسن در
خرقان وخواجه عبدالله طاقی در هراة و ریاضت
خواجه بمرتبهٔ اعلی رسیده بود میفرمود که بحدیث
خواندن مشغول بودم واکثر اوقات گیاه تناول میکردم

وخشت زیر سر می نهادم وفاتش وقت غروب آفتاب
یوم الجمعه بیست ودوم ذوالحجه سال چهارصد وهشتاد
از هجرت وولادتش وقت غروب یوم الجمعه دوم شعبان
سنه ست وتسعین وثلثمایه وعمرش هشتاد وچهار سال
وچهار ماه وبیست روز بوده ودر تاریخ هشتصد وسی
ودو از هجرت خاقان سعید بر سر تربت آن بزرگ
دین عمارتی عالی بنا فرموده وهر پنجشنبه سر ماه بزیارت
مزار متبرک او میرفت واهل هراة وضیع وشریف پیوسته
بمرقد منورش توسل میجویند وبمقاصد دین ودنیا
میرسند وفی الواقع فیض الهی در ان موضع بسیار است
دیگر جماعتی از اولیاء کبار ومشایخ از پیران واقران شیخ
الاسلام خواجه عبدالله انصاری بوده اند وخواجه در

مصنفات خود ذکر ایشان فرموده و تاریخ وفات ایشان
معلوم نیست درین محل ذکر اسامی آن بزرگان در سلک
تحریر میکشد تا بمقتضی اثر معتبر عند ذکر الصالحین
تنزیل الرحمة برکة آن طائفه بروزگار همایون واصل
گردد یکی از ایشان شیخ ابو حفص غاوه‌ذانی است پیر
با هیبت بوده و کرامات فراوان داشته مدفن او غاوذانست
از بلوک سبقر دیگر ابو بشر گواشانیست که کبوتر از کف ترخان
سخن او فرو می‌آمد دیگر عبدالله مهین دیگر عبدالله
کهین گواشانی و ایشان از پیران خواجه عبدالله انصاری
بوده‌اند و مدفن این سه بزرگ گواشانست از بلوک کذاره
دیگر احمد رحا بسیار بزرگ بوده دیگر شیخ احمد کاهدستانی
از اصحاب ولایت و فضل بوده و ایشان هر دو در کاهدستان

مقتول‌اند دیگر ابو الحسن نجار قهندزی از اکابر این طایفه
بوده قبر او معلوم نیست دیگر خطیب کوتوی پیران بسیار دیده
و سید القوم بوده خواجه عبدالله انصاری بسیار
بمهمانی او تشریف میداده و قبر وی در کورپست دیگر شیخ
احمد کوفانی از اهل کمال بوده و مدفن او کوفانیست از بلوک
کذاره دیگر پیر محمد کشوه از اکابر مشایخ هراة بوده شیخ
الاسلام خواجه عبدالله انصاری روح الله روحه بسیار
وصف او میفرموده دیگر محمد شکرف از پیران صاحب
کرامت بوده دیگر امام ابو سعید مالینی در علم حدیث
استاد خواجه عبدالله بوده و حال عظیم داشته
قبر وی در زیارتگاه معروف و مشهور است و امام
نووی در اربعین خویش ذکر او فرموده و فیض

دران مزار زیاده از انست که وصف آن توان کرد دیگر
شیخ ابو الحسن حداد هروی از سادات عظام و درویشان
مجرد بوده تاریخ وفات و موضع قبرش معلوم نیست
دیگر امام زاهد شیخ ابو منصور سوخته از اهل فضل و
کمال بوده و ارباب وجد و حال قبرش در خیابانست
دیگر شیخ عالم کامل بعطا بنادلی از بزرگان و سادات
قوم بوده و علم درویشی نیکو میدانست مدفنش در هبا
دانست دیگر درویش محمد خیاط خواجه عبد الله انصاری
او را وصف فرموده و از اکابر درویشان شمرده و قبرش
معلوم نشد دیگر بعظام جولاهه از کبار مشایخ هراة
بوده گورستانش درب خشک بعد ازین بذکر طبقهٔ دیگر
که تلو طبقهٔ خواجه عبد الله بوده اند قیام نموده خواهد شد

بتوفیق الله و فضله اولهم امام متعبد فاضل زاهد شیخ
ابو عبد الله عمری از اقران خویش بعلم و کمال ممتاز بود
وفاتش در سال چهارصد و هشتاد و هفت و مدفنش
در گورستان درب خشک واقع شده دیگر نقطه دایرهٔ
علم و زهد و آزادی شیخ عبد الله الهادی خلف صدق
شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری بعلم ظاهر
و باطن آراسته بود و بورع و تقوی و فضل و تقوی
شهرت داشت وقتی که باطنیه و ملاحدیه و بدمذهبان
بر هراة استیلا یافتند تفرقه بسیار با و رسانیدند و باخن
در کهندز او را بکشتند و هم انجا مدفون ساختند بعد
از چند روز که آن فتنه تسکین یافت از قبرش بیرون
آوردند و بگازرگاه بردند و در پیش پدر بزرگوارش

دفن کرد ند والحالة هذه قبر او ظاهر و هویدا است

دیگر شیخ الاقطاب مرشد السالکین پیر ابونصر هروی خواجه بادی

در عداد علمای ربانی معدود گشته بعلم
ظاهر و باطن معمور و اصلش از کرمان بود و در ریاضت و کرامت
بیحد داشت همواره بمصاحبت خواجه خضر میکرده اند
مشهور است که سیصد ولی او را نظر کرده بود ند و در سبب ترقی
او آورده اند که روزی شخصی فتوایی پیش او آورد مضمون
آنکه چه فرمایند ائمه اسلام در شان جوانی که در عهد او
حال چنین کاری میکرد روزی بر دراز گوشی خشم گرفت
و چوبی چند محکم بر و زد حیوان با او در سخن آمد و گفت
ای خواجه این همه غضب و تندی بر من مظلوم بی زبان
رانده گیر اندیشه نمی کنی از آنکه اگر خداوند بزرگ بر تو خشم

گیرد هیچ توانی که از عهده آن بیرون آیی پس آتش ندامت
در دل او افتاد و باستغفار و توبه افتاد مشغول شد
و مدت بیست سال آب از چشمش نایستاد اکنون پیر گشته
و آب در دیده اش نمانده هر گاه که حال گذشته خود
یاد میکند و آن ستم که بران دهان بسته نموده بخاطرش
می آید از هیبت حق سبحانه و تعالی خون از چشمش روان
میگردد و چون در نماز می استد بر روی و موی
و مصلای او خون روان میرود حکم نماز و آبدست
او چیست پیر ابو نصر در حال فتوی داد بخواند حال برو
بگشت و مدتی بی هوش ماند چون بهوش باز آمد
قلم فتوی را بشکست و برخواست و روان شد
و گفت آن شخص کجاست گفتند در فلان دیه است

پس سر و پا برهنه می رفت تا بدر خانهٔ آن عزیز
رسید گفت آن سوخته را میخواهم که دریابم گفتند
درای که در نمانا بیستاده بود و حالی کالبد را خالی ساخته
شیخ ابونصر در آمد درویش را دید بروی در افتاده
و روی و موی سفیدش بخون سرخ شده و جان
شیرین تسلیم نموده نیاز در نگاه کرد در روی شیخ
بخندید پیر ابونصر بیخبر گشت و بعد از افاقت بتجهیز
و تکفین او قیام نمود پس از دفن آن عزیز وجد و حال
بر شیخ ابونصر غلبه کرد سر در کوه و صحرا نهاد و دایما
میگریست روزی شخصی باو رسید و سوال کرد که
ای جوان چرا میگریی مگر آیتی از کلام ملک علام بتو
رسیده است و بان کار نکرده و آن آیت خصم تو شده

گریهٔ تو بگریهٔ دلسوختگان نمی ماند بگریهٔ دامن سوختگان
می ماند شیخ ابونصر را از آن سخن درد بر درد بیفزود و ذوق
قصهٔ او بجایی رسید که او را با خلق آرامش نماند نان
و آب را ترک کرد و بمحاسبهٔ خویش مشغول گشت و سر و
پا برهنه سیر میفرمود تا بپای درختی و سر چشمهٔ رسید
آنجا منزل گرفت و آن درختی بود خار دار بر هر خاری
از اشک آن درخت باری بسته و از آن درخت خوشها
بر مثال انگور سرخ آویخته بود پس از اشک آن درخت
مقداری بلیسید هوش بوی باز آمد و بعبادت
مشغول شد اژدهایی بیامد و در گرد شیخ و آن درخت
و چشمه حلقه زد شیخ ابونصر مدت بیست سال
در میان آن حلقه عبادت میفرمود و از میوهٔ آن درخت

تناول میکرد و از آن چشمه وضو میساخت و بهیچ
کاری دیگر نمی پرداخت و از خلایق کسی بانجا نمی رسید
بعد از بیست سال جوانی دران منزل ظاهر شد و از آن
چشمه وضو ساخت و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن
بر شیخ ابونصر سلام کرد و گفت شیخا امروز روز
عرفه است توجه نمای و حج بگذار شیخ ابونصر فرمود
حالیا از حج و عرفه دورم جوان در جواب گفت اینک
کوه عرفات شیخ نگاه کرد عرفات در نظر او نمود بآنجا
رفت و با حاجیان موافقت نمود بعد از آنکه از وقوف
عرفه فارغ شد نه جوان دید و نه چشمه و نه درخت
پس مناسک حج باتمام رسانید و در تحت ناودان کعبه
مقام ساخت گاه گاه پشته هیزم میکشید و میفروخت

و روزگار بآن میگذرانید ده سال دیگر بآن دستور از
عمر او بگذشت بعد از آن حاجیان بمدینه رسول میرفتند
پیری با او گفت چرا موافقت با این جماعت نمی نمایی که
بزیارت حبیب خدا فرمایی پس در صحبت آن جماعت
بمدینه رفت و در مقابل روضه مقدسه حضرت مصطفی
صلی الله علیه و آله وسلم بایستاد و سلام کرد از تربت شریف
جواب شنید که وعلیک السلام یا ابا نصر ده سال دیگر
در آنجا بمجاورت بگذرانید بعد از ده سال از روحانیت
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم
رخصت یافته بطرف شام و بیت المقدس توجه
نمود سال دیگر دران اماکن مقدسه مجاور گشت آنگاه
بعراق آمد و در کوهها و صحراها با درویشان مجاورت

[illegible] صاحب [illegible] ابسر می برد بیست سال برو
[illegible]ت باین طریق آنگاه شبی حضرت رسالت صلی الله
[illegible] و سلم در واقعه با او فرمود که ای ابونصر
[illegible] آبادانی در [illegible] مومنه [illegible] انکار کن که سه پسر بتو حواله است
در آبادانی [illegible] صد [illegible] آن عمرش گذشته بود بهراة رسید
و در خانجه [illegible] امر [illegible] بیست و چهار سال دیگر انجا بسر
با اهل ساخت و فرزندانش متولد شدند و احوال و مقامات
و بزرگی و کرامات او بسیار است که درین مختصر نگنجد
وفات [illegible] سال پانصد [illegible] مدفنش در خانجه باد
در خلف قبر امام [illegible] رحمهما الله و فیض
مرادا از شرح مستغنی است دیگر قطب المحققین سلطان
مجد الدین طالبه در طریق توکل و تجرید یگانهٔ عهد خویش بود

و در سلک کمل اولیا معدود گشته و مقامات عزیزه و
حکایات عجیبه از وی مروی است امام فخر الدین رازی
پیوسته بزیارت او میرفته تاریخ وفات او معلوم نیست
اما مدفنش در اندرون شهر هرات معروف و مشهور است
و عمارتی بر سر قبر وی ساخته اند خاقان سعید هر
سال دو نوبت که بمزارات تردد میفرمود بانجا تشریف
میداد دیگر امام ربانی علاء الملة والدین ناصر الحدیث ابو
شجاع محمد بن مسعود الکرمانی در هراة [illegible] میکرد
تا وفات یافت در شهور سنه [illegible] و خمسمائه
مدفنش در مقبره در ب [illegible] قبر شریفش تریاکی
است عظیم مجرب دیگر شیخ الفقرا و زبدة المتوکلین و
قدوة الابرار قطب الحق والدین ابویزید الوزان المشهور بخواجه

تراز و دار از اجله مشایخ هراة بوده خودرا از خلق پوشیده
میداشت چون اجلش نزدیک رسید وازین جهان
نقل کرد اورا در اندرون دکانی که در بازار فیروزاباد
داشت مدفون ساختند مشهور است که شبی در دکان
خود بخواب رفته بود فصل زمستان و برفی عظیم نشسته
نیم شب ضعیفه او را بعزه زد و یک فلس داشت خواجه
بیدار شد آن عورت گفت این فلس بستان و مرا بنج چیز بده
چراغ روشن کرد و بر مدعای او مهمی که داشت بساخت
ضعیفه بدعای خیرش قیام نمود و گفت خداوندا دل
اورا در دین و دنیا منور دار و در دو جهانش عزیز گردان
بعد از آنکه از دنیا رحلت کرد در خوابش دیدند از و سوال
کردند که خداوند تعالی با تو چه کرد جواب فرمود که مرا بیامرزید

گفتند بچه جهت گفت بسبب دعای آن ضعیفه **بیت**
همت از انجا که نظرها کند خوار مدار [illegible] که اثرها کند مزار
متبرک او اکسیر احمر است و اورا برادری صاحب کمال بود
کارهای بسیار کرده و حجهای پیاده کرده خواجه وزارت
پیش او میسر نمود و مرتبه اش بغایت بلند شده وقتی
که از دنیا نقل کرد در مدرسه که در اندرون شهر هراة منزل
او می بود اورا دفن کردند رحمهما الله تعالی **دیگر امام همام**
الداعی الی الله فخر الحق والشریعة والتقوی والدین ابو عبد
الله محمد بن عمر الرازی القرشی التیمی البکری از فحول ائمه
و علماء عصر خود بوده و از میامن انفاس متبرکه اش تصانیف
فراوان در جمیع منقوله و معقوله در روی زمین انتشار
یافته در زمان سلطان مرحوم سلطان غیاث الدین

در هراة ترقی تمام یافت و سلطان مشار الیه مسجد آدینه
شهر باسم شافعیه رحمة الله علیه بجهت امام مقرر نمود
و هر روز جمعه بنصیحت مشغول میشد و کمالات او فوق
الحصر و البیان نیست ولادتش بیست و پنجم شهر رمضان سنه
اربع و اربعین و خمسمایه و وفاتش روز دوشنبه عید
فطر سنه عشر و ستمایه مشهور است که در حین وفات
این رباعی انشا فرمود که ؛ هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد ؛ هفتاد و دو سال جهد کردم
شب و روز ؛ معلومم شد که هیچ معلوم نشد ؛ مدفنش در
خیابانست معروف و مشهور و بفیوضات ربانی مشرف
و معمور است دیگر سلطان عادل غازی متمکن در مسند
عدل و صدق و یقین سلطان غیاث الدین از کل سلاطین

ایام و افضل ولاة اسلام بود و کمال عدالت و رعیت
پروری و مسلمانی و شهرت تمام دارد پیوسته بتربیت
علما و تقویت فضلا و تمشیت شرع مصطفی اشتغال
مینمود و در تمهید قواعد جهاد با کفار و قلع و قمع
اشرار مبالغه تمام می نمود و از آثار دولت و سعادت
او بناء مسجد آدینه هراة است که از وجه حلال باساس
تقوی مؤسس ساخته و صفای آن از خلوص عقیده بانی
خبر میدهد و همواره معبد اولیا و اتقیا می بوده و هست
و مشهور که در هر چهار جمعه یک نوبت خضر علیه السلم
آنجا بنماز آدینه حاضر میشود و هر کرا از اهل غیب خالی
نیست و سالکی جلد می باید که تنها شب آنجا باحیا قیام
نماید و در طرف جنوبی این مسجد بزرگوار نزدیک بصف

اول دو رکعت نماز حاجت گذاردن و مراد خواستن
اثر وافر دارد و بسیار از اهل دل درین موضع متبرک
بمقاصد کلیه فایز آمده اند و در گنبدی که در صفه
شمالی آن مسجد واقع شده سلطان غیاث الدین و بعضی
دیگر از ملوک کرت مدفون اند و مدرسه که در پهلوی
گنبد معمور گشته هم از آثار و نتایج خیرات مشار الیه است
و زیارت آن مرقد مبارک بسیار مجرب و پر فایده است
انّ آثارنا تدلّ علینا ٭ وانظروا بعدنا الی الآثار

دیگر شیخ الاصفیا کمال الملة والدین محمود بن محمد السرمقی

اصلش سرمق فارس بود که قصبه معمور مشهور است
نزدیک با قلید و تمام آن قریه وقف حرمین شریفین است
و در زمرهٔ جوانمردان مشایخ هراة معدود گشته و در زهد

و تقوی ید طولی داشته و در دیهی که بخواجه سرمه
شهرت یافته مدفون شد و قبرش معروف و هویدا است
و سلاطین ماضیه بر سر تربت وی گنبدی بنا فرموده اند
و خانقاهی و وقفی دارد هرچند معاملات اوقاف درین
ایام از توقف مشتق می باشد اما امید هست که بمیامن
عنایت حضرت خلافت پناهی خاقانی بمصارف استحقاق
برسد و در اراضی آمال تخم اقبال کشته شود ان شاء الله
تعالی دیگر شیخ الابدال شیخ سیف الدین ترک از ابنا
ملوک بجود و مجذوب گشته و نظر از شیخ قطب الدین
حیدر زاوه یافته و خوارق عادت از وی بسیار ظاهر
میشد جنابخا اهالی هراة بیکبارگی معتقد او بوده اوبوده
اند هرچند کسوت ملامتیان اختیار کرده اما بواسطهٔ

جذبه او را معذور داشته اول در خدابان نزدیک مقبره
خواجه علمدار بسر می برد از بسیاری تردد اهل هراة
به تنگ آمد و بکازرگاه نقل کرد و خانچه بساخت و
انجا بعبادت مشغول شد چون وقتش برسید برخاست
و بحوض در آمد و غسلی بر آورد و بمنزل خود رفت و بنشست
و شهادت گفت و جان تسلیم کرد مریدان پیش او صفه
بر آوردند و اکنون میگویند همانجا نشسته است رحمة
الله والله اعلم دیگر درویش عارف سالک داذ بابو
اصلش از مصر بود و جرم گری میکرد شبی پوستها را
نا پیراسته در تغار نهاده بود روز دیگر برخاست
پیراسته و جرم شده یافت از آن سبب او را حالی پیش
آمد و توبه کرد و متوجه راه حق شد و در زمان سلطان

غیاث الدین بهرات آمد سلطان مشار الیه بصحبت او
تقرب میجست و از احوال سفر خود و غرایب و عجایب
که دیده بود با او میگفت میفرمود بابو داد سفر بدادی
از انجهت بداد بابو مشهور شد و نام اصلی او درویش حاجی
محمد است تاریخ وفاتش محقق نشده اما مدفنش در ظاهر هراة
بیرون درب قبچاق است مقابل خانقاه زبیده آغا بسر راه
متصل بطریق که بمصرخ میروند دیگر قطب ربانی و
محقق صمدانی السید الکبیر حسین بن عالم بن ابی الحسینی
المشهور بسید حسینی العلوی قدس سره عالم و عارف و
موحد و محقق و اصل او از نواحی غور بود و از مریدان
شیخ رکن الدین ابو الفتح و او از مریدان پدر خود شیخ
صدر الدین و او از مریدان پدر خود شیخ بهاء والدین

زکریاء مولتانی و دیگر مشایخ دیده و خدمت کرده و مصنفات
امیر سید حسینی معرف حال و کمال اوست چون نزهة
الارواح و طرب المجالس و صراط المستقیم و کنج نامه
الهی و زاد المسافرین و کنز الرموز و پنج گنج و دیگر رسایل که
ع سخنش خود معرف هنر است، وفاتش در سال هفصد و هژده
از هجرت و تاریخ وفات آنحضرت درین دو بیت مذکور شده بیت
ده و ششم از مه شوال و هفصده و هفصد، بود واقعه افتخار آل محمد
روان سید سادات عصر امیر حسینی، شد از سرای دنیا بدار ملک مخلد
و قبرش در مصرخ خلف گنبد و اندرون حظیره امیر سید عبد
الله بن معاویة بن عبد الله بن جعفر است، و فیض از قبر شریف
او می بارد بیت هر کس که زملک آشنایی است، داند که
متاع ما کجایی است، رحمه الله دیگر امام العصر و مجتهد الدهر

نظام الحق و الدین عبد الرحیم الخوافی المائن آبادی المشهور ببیر
تسلیم از ائمه دین و اجله اهل صدق و یقین و از اقران شیخ
علاء الدولة سمنانی و شیخ قطب الدین جامی و شیخ محمد
خلوتی خوارزمی و شیخ قوام الدین بسطامی و از استادان
مولانا محمود زاهد مرغابی و مولانا زین الدین ابوبکر
تایبادی بوده اصلش از مائن آباد خوافست اما در هراة بسر می
برد بزرگ و مشار الیه و معتمد علیه و معتقد فیه
زمان خود بود و سخنان او نزد حکام و سلاطین کالنص
القاطع و معامله اذعان و تسلیم در ایمان او روش
ساخت و قضیه شهادت او بجهت مخالفت غوریان
با ملوک شهرخی دارد القصه خود را فدای اهل هراة کرد
و بآن ضابطه عمل نمود که شر قلیل از برای جلب خیر کثیر

داخل خیر کثیر است و زیارت مرقد شریف او بتجربه کرده اند
قبرش در خیابان معروفست و شهادتش در سال هفصد
وسی و هشت از هجرت رحمه الله دیگر مولانا و شیخ الاسلام
سعید فرید دهره و وحید عصره مولانا ظهیر الملة والدین محمد بن
احمد الغوری بسیار بزرگ و صاحب کمال و مستحق تعظیم
و اجلال بوده در غور تولد نموده و بعد از واقعهٔ هلاکو
بهراة تشریف داد و مرجع اکابر گشت هفت نوبت حج بیت
الله گذارده و از اقران بیرستلیم بوده و اکثر حفاظ خراسان
کلام الله از و اخذ کرده اند و سلسلهٔ نسبتش با بوبکر رضی الله
علیه منتهی میشود و وفاتش سنه تسع و ثلثین و سبعمایه
و مدفنش در جنب بیرستلیم فی قبر خیابان رحمهما الله
دیگر شیخ الاسلام قطب الحق والدین ابو نصر یحیی بن ابی الفضل

الجامی اصلش از جام و ولادتش از نیشابور و نشو و نما در هراة
یافته و از اکابر علما و مشایخ خراسان بوده و حدیث
پیش پدر خود ابو الفضل جامی خوانده و با شیخ علاء الدولهٔ
سمنانی و شیخ صفی الدین اردبیلی و شیخ شرف الدین
درگزینی و مولانا جلال الدین عتیقی و مولانا اعظم
مجد الدین اسمعیل فالی قاضی قضاة مملکت فارس صحبت
داشته و هفت نوبت حج گذارده و بخدمت مشایخ حجاز
و مصر و شام رسیده و وفاتش لیلة الخمیس بیست و یکم جمادی
الاخری سال هفصد و چهل از هجرت و مدفنش بیرون
درب فیروزآباد در خانقاهی که ملک مرحوم ملک
معز الدین ابو الحسین محمد کرت بجهت وی بنا فرموده و جد
و حال و فضل و کمال متجاوز الحصر والبیان بوده رحمة الله

علیه دیگر شیخ الاسلام عالم ربانی ینبوع مکرمت و بنان
نامی شیخ قوام الملة والدین البسطامی از ائمه دین واجله
اهل یقین و حنفی مذهب بوده رحمة الله علیه و از اقران
شیخ علاء الدوله سمنانی و شیخ قطب الدین جامی و اکفاء
ایشان بوده خرقه از پدر خود شیخ جمال الدین عبد الحمید
و بزرگی و علو مرتبه او جمیع خواص و عوام اعتبار میکردند
و سلسله خرقه ایشان بسلطان ابویزید بسطامی
منتهی میگردد و تفصیل کرامات و مقامات او طول و عرضی
دارد و بسیاری اکابر از دامن او برخاسته اند در سال
هفتصد و چهل و سه از هجرت در هراة متوفی شد و بموجب
وصیتش در خیابان در حظیره فخر الدین رازی دفن کردند
دیگر قطب الاولیاء والاوتاد مولانا جلال الملة والدین محمود

مرغابی از اکابر عصر و یگانه دهر و عالم بعلوم باطنه و حنفی
مذهب و از اصحاب مولانا نظام الدین پیر تسلیم بوده و
بمولانا محمود زاهد شهرت داشته و کرامات فراوان ازو
منقولست گویند مقرر بود که هر سال وقت محصول
پنج خروار آرد در حمامها میریخت و تا آخر سال هر روز از آن
خرج میکرد گاه بودی که در روزی صد من آرد بمردم
میداد و هرگز کمی نمیکرد و وفاتش در سال هفتصد و هفتاد
و هشت از هجرت و مدفنش در قریه مرغاب معروف
و خاقان سعید هر سال دو نوبت بزیارت ایشان
میرفت مود و باران فیض پیوسته بر سر مزار او می بارد
دیگر ملک القضاة والحکام مبین مناهج الحلال والحرام
قاضی جلال الملة والدین محمود الامامی قاضی قضاة مملکت

هراة و توابع و از متعینان اکابر قبة الاسلام و ملاذ و ملجا
سلاطین انام و از نسل سرور ارباب تحقیق ابوبکر رضی
الله تعالی عنه و مقدم ارباب عمایم و اهالی
مملکت خراسان بود و پیوسته ملوک و حکام بصحبت
شریف او میرفتند و در جزئیات و کلیات او را مشار الیه
و مدار علیه میدانستند و در مکاتیب که بفرمان ملک
معز الدین حسین بایشان نوشتند ملک مشار الیه
بخط شریف خود بر حاشیه مکتوب ثبت میفرمود
که بنده مخلص دولتخواه حسین کرت و امثال این تعظیما
واقع میشد و بتقوی و زهد و ورع باقصی الغایة داشت
و خاقان صاحب قران پیش از ظهور جهانگیری با او
ملاقات فرموده و بسیار معتقد او گشته بود و وفاتش

در هفتصد و هشتاد و دو از هجرت و مدفنش در اندرون
حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری در مقبرهٔ
قضاة دیگر شیخ کامل صمدانی شیخ سیف الملة والدین [illegible]
در علم حقیقت و زهد و ورع و تقوی [illegible]
صاحب کمال بوده مولدش سرای و در خوارزم نشو و نما
یافته و در هراة اقامت فرموده و از دست شیخ عالم شیخ
محمد خلوتی خرقه پوشیده و کرامات و احوال غریبه از
وی منقولست در سال هفتصد و هشتاد و پنج از هجرت
نقل کرده مدفنش مزار خلوتیان قریب پل کارزیارگاه واقع
شد دیگر شیخ الاسلام و کهف الطالبین شیخ ظهیر الدین
خلوتی در علم قرائت فرید عصر خود بوده و جناب ولایت
مآب مولانا ابوبکر تایبادی در شان او میفرمود در [illegible]

طابق فلک مثل ظهیر الدین خلوتی بمی دانم و مولانا شرف
الدین عثمان زیارتگاهی فن قرآت از و اخذ کرده مدت
مدید ملازمت شیخ سیف الدین خلوتی بتقدیم رسانید
و در سال هشتصد هجری از دنیا نقل کرد و در مزار مذکور
او را پیش قبر پیر خود مدفون ساختند و در مزار خلوتیان
بسیاری از عزیزان و اولیاء الله و ارباب کشف و تسخیر مدفونند
و هر که اندک قابلیتی دارد و دران منزل بتوجه تمام در آید
و همت از تعلق باغیار منقطع کرده سازد فیوضات نامتناهی
باو واصل گردد دیگر پیران صاحب وقت و مجذوبان
عالی وجد اخی محمد و اخی محمود جامی از مفردان و مجذوبان
باباسنگوی قتال بوده اند و هر کس بدیدن ایشان میرفت
ما فی الضمیر او میگفتند تاریخ وفات ایشان بتحقیق نه پیوسته

اما مدفن اخی محمد در مقبرهٔ خیابان بپهلوی مدرسهٔ ومان
شیخ و مدفن اخی محمود در شمال کوه مختار واقع شده دیگر
بابا لقمه رحمة الله علیه از هندوستان آمد و در هراة مقیم شد
و سبب لقب مذکورش آنکه هر کرا دیدی گفتی لقمهٔ ما کو و
هرچه باو میدادند از حبوبات و نمک و صابون و کلوخ و غیر
آن در یک دیگ میریخت و طعامی میساخت و با نفس خود
خود باین نوع خطاب میکرد که ای نفسک اینست رزق
تو اگر خواهی بخور و اگر خواهی بگذار و منقولست از جمعی
تجار که گفتند بسفر دریا رفته بودیم در میان بحر کشتی ما
بغروب افتاد و مضطرب شدیم ناگاه پیر لقمه را دیدیم که بر
روی آب پیدا شد و کشتی ما را از هلاکت و غرق خلاص گردانید
تاریخ وفاتش معلوم نشده اما قبرش در مقبرهٔ خیابانست دیگر

بین کامل عالی ذکر درویش میان خدا بابی مردی باشکوه
صاحب حال بود مدت چهل سال از بهر نمازی غسلی
بر می آورد و در خیابان بحظیرهٔ سعد که از اسباط حمزه
عبد المطلب است مجازی مدرسه گوهرشادیه مدفون
شده ذکر عالم ربانی بی شک و اشتباه سید برهان الدین
اشرف بن مبارک شاه از فقها و فضلاء عصر خود بود و مذهب
ابو حنیفه کوفی رحمة الله علیهما عمل میفرمود استفادهٔ علوم
از مولانا شمس الدین کرات و علامهٔ روزنجی مولانا رکن
الدین شارح لباب و مولانا افتخار الدین تسهی و اقران
ایشان فرموده و مدت هشتاد سال در هراة فتوی نوشت
و در سال هفتصد و سه وفات یافت و قبرش در مقبرهٔ
خیابانست ذکر امام العصر و الزمان الواصل الی جواد الفضل

الاحدی مولانا حسام العبدی بسیار بزرگ و عالم
و محدث بوده و از مولانا سیف الدین احمد ابهری و مولانا
شمس الائمة الکرمانی اخذ علوم نموده وفاتش غرهٔ شعبان
سنه سبع و ثمانمایه و مدفنش اندرون گنبد سید السادات
مصرخ خلف قبر سید عبد الله رحمهم الله منقولست
که بعد از وفات او را بخواب دیدند و گفتند خداوند
تعالی با تو چه کرد جواب داد که دوازده هزار ساکنان
عالم غیب ملازم من ساخته اند تا بخواندن حدیث
محمد قیام می نمایند رحمهم الله این بود ذکر جماعتی از
اعیان که از زمان فتح اسلام تا سال هشتصد و هفت
هجری در عرصهٔ هراة مدفون گشته اند و در تواریخ
و طبقات اسامی ایشان نوشته شده و بجهت اختصار

واحتراز از ملال خاطر خطیر نواب سپهر اقتدار این طریق
مسلوک داشت والا فضایل و کرامات و شمایل و مقامات
جماعت مذکوره در مجلدات نگنجد و درین رساله غرض
تعیین مراقد و شرح نام و نشان ایشان بیش نیست امل
واثق که برکات همم علیه این بزرگان لحظةً فلحظةً
بروزگار همایون واصل و متواصل گردد انشاء الله تعالی

باب دوم در ذکر جماعتی که در میان قبة الاسلام
و توابع باسم و لقب شهر دارند و همواره حاجتمندان بزیارت
ایشان توسل میجویند و بمساعدت صدق نیت خود بمرادات
و مقاصد میرسند لیکن در نسخهٔ معتبر معتمد احوال
آن بزرگان مذکور نشده فاما مقررست که مصراع
چنین کرد انسوار بود البته تا عودی در مجمر نباشد بوی

بمشام طالبان نتوانند رسید اول بذکر جمعی که در شهر
مدفون اند قیام نموده میشود بعد از آن اسامی طایفه
که در ظاهر قبة الاسلام و توابع آسوده بقلم می آید
امید که میامن همت جمیع اولیاء خدا بساعات لیالی
و ایام حضرت خلافت پناه خاقانی اسلام ملاذی واصل
گردد انشاء الله تعالی از الجمله بر در دروازهٔ خشک از اندرون
شهر متصل باد و مزار شاهزاده شهید فرخ زاد بن خاقان
از اعوان ابومسلم مروزی انجام شهادت بجرع فرمود
و میگویند از متعینان وقت خود بوده و پیوسته اهالی
مملکت بزیارت او توسل میجویند و بمقصود میرسند
دیگر خواجه عبدالله مصری از متعینان اولیاء و اکابر اتقیا
بوده و در فترت هلاکو او را شهید کردند و زیارت

مزارا و عظیم الفیض و مجربست مدفنش غاریست متصل
بمسجدی که در برج قتلغ واقعست **دیگر قطب الزمان و غوث**
العصر و الاوان خواجه مختفی در عصر شیخ الاسلام خواجه
عبدالله انصاری بوده و کسی از حال و کمال او وقوف
نداشته مدفنش باروی درب قبچاق محل غیبیان و
آستانه مرادیست دیگر قریب برج قتلغ مسجدیست متبرک
بمسجد چهارشنبه مشهور در گوشه آن مسجد از جانب جنوب
خانه ایست جمعی از اولیاء الله آنجا آسوده اند و آن
خانه کپی بمیرود بغایت مهیب جاییست در روزهای
چهارشنبه اهالی هراة بزیارت او مشرف میشوند
و آستانه مرادیست **دیگر خواجه امانت دار** در محله که
بمیزان مشهورست قریب بدرب فیروزاباد از قدماء مشایخ

هراة بوده و استمداد همت از و اثر تمام دارد **دیگر خواجه مراد**
بخش در محله قالین بافان قریب درب عراق هر که بصدق
توجه بروح آن بزرگ نماید البته حاجتش روا گردد و این معنی
از مجربات است **دیگر خواجه چهارشنبه** در محله برلاسان قریب
برج شمالی از اکابر اعزه است و روح موثر کرم دارد
دیگر پیر غازانی در محله غازان قریب محله سنجانی
مایل بدرب عراق از بزرگان و عزیزان بوده و طالبان
بمیامن همت آن صاحب کمال بمقاصد خویش میرسند
دیگر خواجه ابوالقاسم الکبیتکر دیگو بازار خشک قریب
بدروازه از اماجد وقت و اکابر عصر خود بوده در زمان
ابومسلم مروزی شهرت داشته با مداد و اعانت او
و بسیار فیض از روح او بزایران واصل میگردد **دیگر**

چهلدختران در محله کلار متصل بفصیل شهر خلایق مملکت
شمع وند دبالخامی برند و مراد می یابند دیگر مزار شهدا
در رکن شرقی مسجد آدینه قریب باب اخضر مشهور و متعارفست
عند اهالی المملکت و استمداد ازان طایفه اثر تمام دارد
دیگر در نواحی خای چشمه مسجدیست که آنرا مسجد کبند
میخوانند و بر پهلوی آن مسجد مزاریست بخواجه نور بهشت
یافته شبهای جمعه شمع وند دبالخامی برند و در روز
چهارشنبه دو رکعت نماز حاجت دران مسجد گذارند
و مراد طلب کردن و بمقصود رسیدن از مجربات است
میگویند اول بنای آن آن موضع الی یومنا هذا
چهار هزار سال گذشته و پیوسته در هر زمان از قرون
ماضیه معبد هر امت بوده و شیخ الاسلام والمسلمین

زین الملة والدین محمد خوافی قدس سره بسیار بمسجد مذکور
تشریف میداد و میفرمود بواسطه آنکه درین موضع مختلف
وادیان متنوعه طاعات و عبادات بتقدیم رسانیده
اند در اینجا فیض تمام و حضور دعا بخواص و عوام و اهل صلاح
میگردد و در بعضی اساس گنبد مذکور خلوتها ساخته
اند آن خلوت که بر یسار محراب واقع شده منزلی بس
متبرک مهیب است و تنها بودن دران موضع کار هر کس
نیست وفی الواقع بسیاری از حاجتمندان درین موضع
بمراد و مقصود رسیده اند مشهورست که هر مستمند
که سه چهارشنبه چاشتگاه درانجا دو رکعت نماز
حاجت بگذارد البته کامران شود دیگر قریب درب
فیروزآباد دو مزاریست بیکدیگر نزدیک باجه و باجه

مشهور محلی پر بزرگ است و ملجاء نیازمندان بوده
و هست دیگر در محله شماعان در جوار مسجد مزار عابده
زاهده بی بی نور است و میگویند پل مالان بنا کرده اوست
روح کرم دارد و زیارت آنجا از مجربات است دیگر در اندرون
دروازه قبچاق در جوار خانه اچی زرگر مزار شیخ محمد
مکی است از اولیاء ربانی بوده و مکرر انوار از قبر او یافته
دیگر طرف جنوب مسجد جمعه شهر خانه خراب هست و
در آن خانه دو قبر ظاهر است یکی از آن دو خواجه مظفر
شهید است و زیارت او را تریاک آزموده گفته اند
دیگر بر شمال خیابان سیدان مسجدی است متبرک در دیوار آن
مسجد میگویند شهدا مدفون اند و خلایق هراة بزیارت
آنجا توسل میجویند و فیض بسیار می یابند دیگر مزار طفلکان

بعضی از اطفال آنجا مدفون اند در محله که بایشان مشهور است
در میان درب فیروزآباد و درب خشک زیارت
ایشان مجربست در حصول مرادات دیگر خواجه خاموش
از قدماء مشایخ است و روحی پر فیض دارد تاریخ وفاتش
محقق نشده و مدفنش در جوار محله طفلکان دیگر مزار
سادات گنبدی است قریب محله طفلکان و سه قبر در آنجا
موجود از کبار سادات بوده اند مشهور است که شبهای جمعه
مکررا انوار دیده اند و بفیوضات رسیده تاریخ موت
ایشان معلوم نشد رحمهم و اما جمعی که در ظاهر
هراة و بلوکات قریب شهر [illegible] اند بعضی که اسامی
ایشان در طبقات بنظر رسیده و از اقران شیخ الاسلام
خواجه عبدالله انصاری بوده اند بعد از ذکر خواجه

علی سبیل الاختصار مذکور شده اند والحالة هذه شامی
بوالحی در سلک تحریر مندرج میگردد اولهم خواجه کابت
نزد اهل هراة چنان شهرت یافته که کاتب وحی آسمانی بوده
اما در کتب محدثان او را از جمله کتاب وحی شمرده اند شاید
که از خلفاء راشدین بوده باشد روحی پس بزرگ جذاب
دارد ارباب کشف وفراست در مزار متبرک او بسیار فیض
یافته اند ومدفنش در محله شتربانان وباغ زبیده واقع
شده وگنبدی بر سر تربت او ساخته اند وخاقان سعید
هر سال مکرر بزیارت او میفرموده منقولست که آن
محل که حالی قبر آن بزرگست آتشکده بود چون ایشان بهراة
آمدند آنجا مقیم شدند وخلایق را باسلام ومتابعت
دین محمدی دعوت میفرمودند وبمیامن جد وجهد آن

صاحب کمال شرع مصطفی ص در هراة رونق تمام یافت
وبسیاری از اهل صدق دیده اند که شبهای جمعه از قبر
انور ایشان نور تافته رحمة الله علیه دیگر خواجه کله
وسبب این لقب آنکه هر کس مرادی دارد کله نذر می کند
وبمراد وی برد وبدر وبیشان مجاور آنجا میدهد بی شبهه
بمراد میرسد مرقدش در بیرون قلعه هراة میان درب
ملک ودرب عراق مشهور ومعمور وقبت صفه وگنبدی
محاذی قبر آن بزرگ ساخته اند وهمواره ارباب حاجات
بآنجا تردد می نمایند وپیوسته جمعی از درویشان
ملازم آن بقعه اند دیگر درب حمام سلیمان شاه در
اندرون دیواری که متصل کوچه ارباب زاغانیست مرقد یکی
از درویشان عزیز واقع شده که بخواجه [illegible] یافته شهرت گرفته

ودر مقابل آن مسجدی ساخته اند و خلایق شمع و روشنایی

باانجا می برند و بمقصود فایز می آیند دیگر خواجه جهل گزی در خلف

باغ زاغان مزاری و صفهٔ قدیمی است و قبری طویل و روحی

بغایت تند شرف الدین قصاب آن صفه را تعمیر کرده و

بسرش بر پهلوی آن صفه لنگری مختصری مفید و بر

بیا را آن حوض آب ساخته و محله را بخواجه جهل گزی با

میخوانند و از مزارات مشهور است و مقرر است که ع بیهوده

سخن بدین درازی نبود دیگر خواجه سبزپوش در محلهٔ کیکجی

بر کنار خندق در عراق شیخ الاسلام والمسلمین کهف

السالکین شیخ جمال الملة والدین ابواسحق المرشدی

روح روحه که صاحب کشف قبور و قلوب بود نمیفرموده

از روح خواجه سبزپوش فیض فراوان میرسید و زیارت

او مجربست دیگر خواجه مروارید بر کنار خندق درب عراق

در خلف عمارت مجدد که اکنون نواب کامکار میسازند

یک گوشه از حد شرقی با آن منتهی میشود از قدما بوده و شهرتی

دارد دیگر خواجه مراد بخش قریب سر سه کوچه باغ زبیده از آن

راه که بدرب عراق می روند مدفنش بر کنار راه واقع شده

شبهای جمعه بار اوست و حاجتمندان زیارت او را آزموده

اند دیگر سید محمد مغربی در گورستان غریبان بر شرق

باغ زبیده از مشاهیر مزارات هراتست و فیوضات وافره در

مزار متبرک او وزیر است ع همه کفنی چو مصطفی کفنی دیگر خواجه

صندقی بر سر کوچه که بمحله نومیروند میان درب عراق و درب

فیروزآباد از مشهوراتست و آن محله را بابا وبان میخوانند

دیگر در خیابان بر شمال حظیرهٔ امام عبدالواحد بن مسلم در میان مقبره

غوری است مشهور بغوث شهدا در میان اهل هراة شهرت دارد که
امام عبد الواحد مذکور انجا بمرتبهٔ شهادت رسانیده اند
والله اعلم زیارت انجا تجربه کرده اند و اثر تمام دارد دیگر
میان مقبرهٔ خابجه باد از طرف شهر فی حظیرهٔ امام عبد الواحد
مسجدیست که آنرا مسجد بخته میگویند همواره محل غیبیان می باشد
و تنها در انجا شب بسر بردن کار هر کس نیست بسیاری از درویشان
و اولیا در ان محل بخلوت گذرانیده اند و منزلی بغایت
سهمناک است و دو رکعت نماز حاجت دران مسجد متبرک زیارت
اکبریست در جلب حاجات دیگر هم در نواحی خابجه باد در اندرون
محوطه قبریست تنها و بخواجه مرادبخش مشهور است مردم هراة بسیار
بزیارت انجا می روند و بمراد میرسند دیگر شاه ابو القیس از بزرگان دین
بوده مرقدش بر بلندی واقع شده بر کناره راه در جانب جنوب

ظاهر درب خشک و مسجدی در نزدیکی آن بنا کرده اند و پیوسته
درویشان و کاملان انجا بسر می برند و حضرت شیخ الاسلام
و مرشد الانام زین الملة والدین الخوافی قدس سره مکرراً
شبها انجا می بوده اند و مریدان و خواص خود را بزیارت
آن مرقد تحریص می فرموده اند دیگر پیر غیبی در نزدیکی
مقبرهٔ خواجه طاق بر کنارهٔ راه مدفون شده و لوح قبرش
بر اصل دیوار ظاهر و زیارت آن مزار از مجربات است دیگر پیر
فخر بابی از جملهٔ ملامتیان بوده مدفنش در بیرون
درب خشک میان بابا رجه متصل براه از دست چپ
وقتی که از راه شهر بیرون روند از عزیزان بوده و خوارق ازو
منقول است دیگر بیرون شهر قریب درب خشک نزدیک
کاروانسرا مزاریست بس متبرک در خانهٔ تنگ چند قبر متصل

دیگر بیکر میگویند جمعی از دختران صالحات بوده اند که از خوف
اشرار بانجا رفته اند و ناپیدا شده و بطرق دیگر نقل میکنند
علی اختلاف الاقوال فیض و برکت و بوی صلاح و تقوی
ازان نور بمشام طالبان میرسد و فواید تمام بزایران
انجا واصل میگردد **دیگر سید محمد ماه رو** از اعزه و اهل
دل بوده مدفنش بیرون دروازه خشک بر سر میدان هیزم
فروشان متصل بهمین مقبره دختران و اهل هراة بان مزار
بازگشت تمام دارند **دیگر خواجه روشنایی** در نواحی باغ
سفید مسجدی و لنگری نزدیک انجا ساخته اند و
شهرتی تمام دارد و بسیار حاجتمندان بزیارت آن مرقد
میروند و بمراد و مقصود میرسند **دیگر بابا قنبر مجذوب**
بیرون دروازه خشک انجا که سقایان آب برمیدارند از مشاهیر

مجانین بوده خوارق عادت بسیار ازو ظاهر میشد **دیگر**
مولانا حاجی ابدال از مجذوبان و بدلای وقت بوده و هرچه
بر زبان او گذشتی همان شدی مدفنش در بازارچه بیرون دروازه
خشک معروفست **دیگر شیخ منصور عمار** از اکابر علما و افاضل
قدما و ائمه دین بوده و فضائل و کمالات و بدرجه علیا
رسیده مدفنش گوشه میدان سعادت متصل بباغ خرم
ز **دیگر خواجه آدینه** بعلم ظاهر و باطن آراسته و کمالات صوری
و معنوی صاحب کمال مدفنش در حوض جهار باغ قریب
مقبره خواجه طاق **دیگر خواجه کاسه گر** از بزرگان
دین و اجله اهل صدق و یقین بوده مدفنش بیرون دروازه
خشک قریب به بکرآباد **دیگر مقبره گازرگاه** چندان
اکابر و اولیا و اقطاب انجا مدفون اند که شرح و بیان آن

در مطولات نکنجد مشهور است که شیخ الاسلام خواجه عبد
الله انصاری قدس سره میفرموده بسیاری از دوستان
خدا درین مقبره در پرده اند و این فقیر دعاگو از مولانا اعظم
سعید و شیخ الاسلام اکرم حمید الواصل الی جوار رحمة
الکریم الوافی مولانا رکن الحق والشریعة والدین الخافی
شنوده که میگفت که چهار هزار ولی در گورستان گازرگاه
در قبر اند و فیض دران محل ریز است دیگر زیارت منقبت جاه
قریب مزار شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری مشهور
و معروفست اهل هراة بعد از زیارت خواجه با نجامیروند
و هفت نوبت گرد آن میگردند و بر سنگ ریزها سوره
اخلاص میخوانند و در انجا میریزند و خالی از حالی نیست
دیگر امام زاهد محیی السنة در گورستان خدابان بر دست

راست روند چون از شهر بیرون روند نزدیک مقبره معماران
از بزرگان بوده اما نه آن محیی السنة است که مولف
مصابیح بوده چه مقرر است که مدفن مبارک او در مرو
الرود واقع شده دیگر خواجه علمدار در مقبره خدابان نزدیک
بقبر پیر سلیم شهر یحیی دارد و مقرر است که در مقبره مذکور
بسیاری از اعزه و اکابر مدفون از متقدمین و متاخرین مقبولند
و در مجالس طالبان و راغبان ارواح مقدسه ایشان اعانت
مشهور و ان مواضع متبرکه و اماکن میمونه این خطه قبه
مختار است بالای حوض ماهیان و همواره منزل اهل غیب
می باشد و بزرگان و عزیزان بسیار بانجا رسیده اند
و منزل فیوضات متوالیه است و روزهای سه شنبه
بار انجاست و دو رکعت نماز حاجت دران محل منتج فواید

لی شمار است و تجربه یافته دیگر کویی که متصل است به بند
قارون محلی مشهور هست معروف بقبر سرخ صورت قبری
در آن موضع ظاهر است هر کرا مهمی کلی پیش آید غسل کند و
جامهٔ پاک در پوشد و بآنجا رود و هزار و یک سنگ خورد
کرد کند بعد از آن دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در
مقابل آن قبر بنشیند و بروح حضرت رسالت صلعم توجه
کند و هزار و یک نوبت بگوید صلی الله علیک یا رسول
الله و هر نوبت که میگوید یک سنگ از آن در میان آن
قبر می‌اندازد چون تمام کند مراد و مقصود خود طلب
دارد و در مراجعت سه درویش را دهن شیرین کند
البته مهم او کفایت شود و این معنی از مجربات است دیگر
بابا بغدی مجذوب از زبردستان مجانین بوده و

در ایام ملوک کرت بحد بدر رسیده و بسیاری حکایات
غریبه از و منقول است در مقبرهٔ خدایان قریب بسر کوچه
ساق سلمان معروف است دیگر ده کوچه شادیه بر طرف
شمال باغ زاغان متصل راه از دست راست رونده چون
بزیارت خواجه ابو الولید روند مزاریست بر بلندی
واقع شده یکی از بزرگان سادات بوده و روحی بسیار فیاض
دارد ع قبر او حال و میگویند دیگر شیخ ابو العلا در خارج
گنبد خواجه ابو الولید احمد از جانب قبله از کبار اولیا
بوده و زایران بعد از زیارت خواجه بآنجا میروند و استمداد
همت می‌نمایند و مجربست دیگر خواجه اولیا از اعزهٔ
مقربان حق است مدفنش قریب پل کار بر سر راه قریهٔ ملدم
شهرتی دارد که اکابر و ارباب جذبت و معرفت هرگز سواره

ازان نمی گذشته اند و بسیاری از اهل دل انجا بفیض رسیده اند
دیگر چهارشنبه مدفنش قریب پل دلقزار بر طریق پل مالان
از بزرگان فقرا بوده و زیارت او مجرب داشته دیگر پیر
سرخ از کبار درویشان بوده مدفنش در قریه سیرهان از بلوک
کذاره دیگر خواجه کنجان از قدمای اولیاء هراة بوده مدفنش
در اعلی قریه سیاوشان از بلوک کذاره دیگر خواجه عزیز
از اکابر مشایخ هراتست مدفنش در قریه سلمی از بلوک کمراق
است و روحی بسیار فیض بخش دارد دیگر خواجه عزیزان
از مشاهیر بزرگان بوده و مدفنش قریه کناد دیگر خواجه
مسعود کومی بسر عزیز و معتبر بوده و مدفنش قریب
برباط سنجه در دیگر شیخ محمد نظیر از شاگردان شیخ
عبدالرحیم دشت بیلان بوده و بغایت بزرگ و صاحب

معرفت مدفنش قریب چشمه مالان دیگر بی بی جاغرزانی
از عابدات عصر خود بوده و بسیاری از طالبان ازین
همت و صدق نیت او بفیض رسیده اند مدفنش قریه
جاغرزان بر کناره راه دیگر خواجه نصوحا از پیش قدمان
عهد و افراد اولیا بوده و روحی پرفیض دارد مدفنش
قریه سمعان است دیگر خواجه شادغم از اهل وجد و حال
و اصحاب فضل و کمال بوده و مزار او کعبه مرادست مدفنش
در قریه سمعان دیگر خواجه سیاه پوش از پیران طبقات
معدود شده و کرامات و مقامات او در میان اهالی
هراة شهرت یافته مدفنش هم در قریه سمعان است
دیگر خواجه سه رخ از مفردان عصر و عالی همتان
دهر بوده و وقتی بغایت گرم داشته و از زیارت او طالبان

برادات کلیه رسیده اند و میرسند مدفنش قریب پل مالان
دیگر خواجه بخشبهی از قدمای اوتاد و اکمل امراء هراة بوده و
مردمان از همت علیه او استمداد نموده و مینمایند مدفنش
میان قریه آزادان و سینان دیگر شیر سرخ از فرزندان
خواجه عبد الرحیم مالینی بوده مشهور است که نسخه
از خواجه عبد الرحیم در مکه بود و خواجه را بمطالعه
آن مهم افتاد در روزی که برفی عظیم می بارید فرمود
کیست که برود و این نسخه بیاورد بعد از تامل واقفی
شیر سرخ را طلب کرد و جای نماز خود را باو داد و
گفت برو و آن کتاب را بما رسان در زمان جای نماز
شیخ بر سر گرفت و روانه شد بعد از ساعتی باز آمد
و نسخه را بنظر خواجه آورد و جای نماز را بیفشاند گرد

از آن می باشد خواجه فرمود شیر زود آمدی مدفنش
در قریه سناجرد و مالانست در جوار مسجد حاجت دیگر
خواجه کازر از اکابر درویشان ماضی است مدفنش
در میان قریه مالان دیگر خواجه لیم از منتهیان
اولیا بوده و مولانای مرحوم شمس الدین محمد سناجردی
در سالی مکرر از سناجرد پیاده بزیارت مرقد او میرفت
و استمداد و استفاضه می نمود مدفنش میان کواشانجه
و ربخان از بلوک گذاره دیگر خواجه محمد بن عبد الرحمن طلقانی
مالینی بس بزرگ و صاحب کمال بوده مدفنش در
دیگر شیخ علی کاکو از کبار درویشان بوده و خوارق فراوان
از و منقول است قبرش در مقبره زیارتگاه دیگر شیخ علی
یادیکانه از اکابر فقرا و اعاظم عرفا بوده مدفنش

قریهٔ اسففان از بلوک کذاره دیگر سید سراج الدین بلخی الاصل
بوده در علم حدیث و تفسیر ید طولی داشت و مدتها
مصاحبت پیر تسلیم نمود و همتی بس عالی داشت مدفنش
در قریهٔ شمعان دیگر خواجه بختیار از درویشان صاحب
حال بوده و وقتی بغایت کرم داشته قبرش هم در اسففانست
دیگر بابا بکن از قدماء مشایخ هراة بوده و صاحب مقام
عالی مدفنش در قریهٔ تیزان از بلوک ادوان دیگر شیخ
سرخ از ارباب وجد و حال بوده قبرش در غوروان از
بلوک کذاره دیگر پیر ترک از مجذوبان و اهل کمال بوده
مدفنش در قریهٔ بشوران دیگر حاجی محمد از اقران مولانای
مغفور قدوة العرفا مولانا جلال الدین محمود زاهد مرغابی
بوده قبرش در کوه سپیان دیار تکاه دیگر شیخ محمد ابو اسحق

از کبار محدثان بوده و ائمهٔ سلف وفاتش عشرین و مایتین و مدفنش
در قریهٔ اشکیبان سفلی دیگر شیخ ابو ناصر از اعزهٔ اولیاء و
معاصر شیخ الاسلام احمد جام بوده مدفنش در اشکیبان علیا
دیگر پیر چهار تخته بسیار عزیز و صاحب کمال بوده تاریخ
وفاتش معلوم نشد اما مدفنش هم در شکیبان علیاست

باب سیم در ذکر جماعتی از اولیا و اکابر و علما و عرفا
که بعد از وفات خاقان صاحب قران مغفور قطب
السلطنة والدین امیر تیمور کورکان در خطهٔ هراة و توابع
بجوار رحمت قاضی الحاجات انتقال فرموده اند ولهم شیخ
الاسلام و مرشد الانام صاحب المقامات العلیة و الدرجات
السنیة کعبة الواصلین و قبلة السالکین شیخ شهاب الحق و
الدین البسطامی از اکابر اولیاء عصر خود بوده و با شیخ الاسلام

قطب الدین یحیی جامی صحبت داشته وحدیث بر وی خوانده
وتلمذ شیخ قوام الدین بسطامی نموده واستفاده علم فقه
از امیر سید جلال کرلانی بتقدیم رسانیده وبعد از تحصیل
علوم ظاهری بریاضت ودرویشی مشغول بوده چندانکه
بمرتبهٔ ارشاد رسیده وکرامات وکمالات لو زیاده
ازانست که این مختصر احاطهٔ آن تواند نمود وتصانیف
آن جناب در علوم ظاهره وباطنه در میان است چنانچه
علو مرتبهٔ آنحضرت از مضمون آنها معلوم میشود وهمواره
معتقد فیه سلاطین وحکام وخواص وعوام بوده وحلیلهٔ
محترمهٔ ملک معز الدین حسین جهت مریدان شیخ خانقاهی
در خدایان بنا کرده وخانزاده بیگم که بانویه پادشاه سعید مزین
سریر عظمت وسلطنت بی اشتباه امیرزا میرانشاه انار الله

برهانه بوده در محلهٔ باز[illegible] خانقاهی است بس عالی بنام شیخ
ساخته ووقفی وافی جهت صادر ووارد وعمله آنجا
تصدق نموده وبواسطهٔ قصوری وفتوری که در موقوفات
آنجا واقع میشود اکنون مشرف بر خرابیست امل واثق که
بمیامن معدلت حضرت خاقانی خلافت پناهی این خیر جاریه
ضایع نشود ومشهورست که هرگز شیخ شهاب الدین قدم
دران مواضع ننهاد بلکه در هنگام مرور بآنجا نظر نمی نمود
وخواجه عزیز وخواجه محمود شهاب مدرسها جهت شیخ
ساختند فاما شیخ در آنجا درس نگفت بلکه تعیین
مدرسان فرمود وحضرت خاقان صاحب قران قطب
السلطنة والدنیا والدین امیر تیمور کورکان انار الله برهانه
تعظیم شیخ باقصی الغایه بتقدیم میرسانید جنابش تمامی

اهالی هراة را بشیخ بخشید و آن قصه شهرتی دارد و رحلت
شیخ بعد از وفات خاقان صاحب قران به پنج ماه در اواخر
سنه سبع و ثمانمائه واقع شد و مدفنش در خیابان
حظیره امام فخر الدین رازی معروف و مشهور است لا
بحرمتنا من برکاته ذکر عبد الحق طوسی از علماء صورت
و معنی بوده و از اقران شیخ شاه فراهی و شیخ علی زافغی
و شیخ اسمعیل خوارزمی بود و پیوسته در معرفت و محبت
سخن میراند تاریخ وفاتش بتحقیق معلوم نشده و مدفنش
در قریه سرموق بیرون مشهد جلال الدین محمود سرمقی
واقعست رحمة الله ذکر شیخ علی افغی از مشاهیر مشایخ خراسان
و عالم بعلوم ظاهر و باطنه و زاهد و متقی و ناصح و واعظ
بود و با سید علی همدانی و شیخ سیف الدین خلوتی و شیخ

زین الدین ابو بکر تایبادی صحبت داشته سنش بشصت و سه
سال رسیده و قبرش در خیابانست رحمه الله ذکر مرتضی
محقق منظور نظر باری سید شمس الدین بخاری از اهل
کمال و سر حلقه عارفان ابدال بوده اصلش از بخارا و در
شیراز بسلوک مشغول شد و بعد از وصول بمدارج ارشاد
بهراة منتقل گشت و در قریه سر و سپتان بسر می برد و دیوانی
در حقایق و معارف از گفتهای او جمع شده صباح دو جمعه
هژدهم شهر جمادی الاولی سنه ثلث و عشر و ثمانمائه جامهای که
در روز عید می پوشید در بر کرد و خرقه پشمین بر بالای آنها
بپوشید و بدست مبارک خود قبر خویش فرو برد و جامه
آخرت راست کرد و از عقب غسال بفرستاد چون غسال
بیامد تا آب را گرم کردن و پاک شوی را تعلیم غسل اموات

بنمود و از حاضران مجلس استمداد همت فرمود و گفت وقت
رحلت ما رسید چون در خلوت درآیم منتظر باشید
تا سه نوبت بگویم یا هو بعد از آن شما درآیید و بغسل و تکفین
من مشغول شوید همان منوال کاربند شدند چون باندرون
رفتند کالبد تهی ساخته بود بکار او پرداختند و او را در
محلی که اکنون تربت اوست دفن کردند و در مزار او فیض بسیار میرسد
و خاقان سعید گاهی بزیارت او میرفته و از لطایف اتفاقیه
آنکه از بخاری که تخلص اشعار اوست تاریخ وفاتش معلوم
میشود **ذکر مولانا و شیخ الاسلام مقبول الخواص و العوام**
ناصح الانام العالم النحریر مولانا شمس الملة و الدین محمد ظهیر
از جمله متناهیر علماء هرات بود و کشف قبور و قلوب داشت و پیوسته
بوعظ و نصیحت مسلمانان قیام مینمود و مرجع اکابر و اهالی

مملکت گشته همواره کشف مشکلات و حل معضلات میفرمود
و باطعام مساکین و بذل وجود شهرت داشت و جنیان
مسخر او بودند و حج اسلام گذارد و در سنه اربع عشر و ثمانمائه
از دنیا رحلت کرد و قبرش در خیابان در جوار پیر تسلیم
و زیارت مزار او از مجربات است رحمه الله **ذکر شیخ اسمعیل**
خوارزمی از جمله مشایخ خوارزم و از مریدان شیخ الاسلام
ربانی شیخ علاء الدوله سمنانی بوده و با شیخ زین الدین
یزدی و شیخ الاسلام سعید قدوة العارفین اسوة المتبحرین
شیخ عفیف الدین جنید المرشدی صحبت داشته و از اقران
شیخ عبد الحق طوسی و شیخ ابو سعید خلوتی و شیخ جمال
الدین سیستانی معدود گشته و حج اسلام دریافته و مشایخ
حرمین شریفین را زیارت کرده مشهور است که مدت

بیست وچهار سال آب بیاشامید وکشف قلوب وقبور داشته
ودر بوزه واستمداد همت ازو بسیار مجربست واقع میشده
وفاتش در رمضان سنه اربع عشر وثمانمایه ومدفنش
بیرون ملک قریب خانقاه شیخ جاوش در کنبدی که
منزل او می بوده ومتصل بطریق عام است رحمه الله شیخ
ابو سعید خلوتی از اعزه مشایخ هراة وهروی الاصل بوده
ومرید شیخ سیف الدین خلوتی وحنفی مذهب بوده رحمة الله
علیه ومقامات وریاضت او شهرتی دارد وعمرش به نود
سال رسید در آخر عمر نابینا شد ودر غره ذی الحجه سنه عشرین
وثمانمایه وفات یافت در حظیره خلوتیان مدفون کشته
وقبرش معروفست رحمه الله ذکر شیخ سید قدسی در
علوم ظاهری وباطنی صاحب کمال بوده در زمان خاقان

سعید از جانب قدس تشریف داد چند وقت در قبة الاسلام
توقف فرمود بعد از ان باسم سیر بیرون رفت پس از چند گاه
باز آمد ودر هراة وفات یافت مدفنش در کوه مختار رحمه الله
ذکر مولانا شمس الدین محمد بن عبد الزاهد المتورع المتقی المشتهر
بمولانا کلاتی از اکابر زهاد وعباد خراسان بوده وحنفی مذهب
رحمة الله علیه واز اصحاب شیخ زین الدین ابو بکر تایبادی
ومولانا محمود زاهد غالی وشیخ شاه فراهی بود ومواعظ
بستلیم بها وجمع فرموده ودر سلک ضبط در آورده
وکمالات او بیش از انست که درین مختصر مکتوب توان ساخت
ودر امر معروف ونهی منکر ید طولی داشت واز صحبت
حکام احتراز مینمود هر چند خاقان سعید خواست
که بصحبت او مشرف شود بجایی نرسید عمرش هفتاد دو سال

ومدفنش مقبرهٔ زیارتگاه از بلوک کذاره دیگر مولانا اعظم
افضل قراء خراسان واکمل الکبراء مولانا جمال الدین افتخار الحفظة
الثلثة اصحاب دار القرار از جمله علماء هراة بوده ودر فن قراءت
ید طولی داشت وجمع عشره بر شیخ الاسلام وخاتمة المجتهدین
شیخ شمس الملة والدین محمد بن الجزری رحمه الله خوانده
ودر علم حدیث نیز مهارت داشت وکتبخانهٔ معروف
وقف طلبه کرد وفاتش سال هشتصد وبیست وسه از هجرت
ومدفنش در خیابان بر سر کوچهٔ امام فخر الدین رازی
دیگر درویش مجذوب وعارف محبوب بابا ارسلان دیوانه
از متعینان بوده این فقیر از جناب حقیقت انتساب
مولانا رکن الدین الخوافی شنودم که فرمود هیچ هفته نبودی
که بدیدن بابا ارسلان نرفتی واز و خوارق بی حد

مشاهده کردمی موتش محقق نشده اما مدفنش در بازار حنه
بیرون درب خشک در حظیرهٔ پیر فخر الدین بابی متصل
بشارع عام واقع شده رحمهم الله دیگر شیخ سالک ناسک
درویش بابا یوسف الله وجی ریاضت بتمام وسلوک بانظام
داشت وبغایت باشکوه وهیبت بود مدتهای مدید در کوه
با آهوان بسر می برد ومعمر شد چنانچه شهرت یافت که سیصد
سال از عمر او گذشته بود وفاتش سال هشتصد بیست وسه
از هجرت ومدفنش در شرقی کورستان خیابان در حظیره
که مشهور است به پیر سیصد ساله رحمه الله دیگر واعظ
با علم وفضل وعبید خواجه لطف الله بن عزیز از افاضل زمان
واماجد دوران وبسیار ماهر در فن تذکیر وحدیث
وتفسیر وحج اسلام گذارده بود ومدتهای مدید در مقصوره

هراة وعیزآن در مسجد جمعهٔ شهر بنصیحت مسلمانان قیام می
نمود در سال هشتصد وبیست وسه بجوار رحمت حق پیوسته
ومدفنش در خیابان در جوار مقبره امام رازی حظیره وکنبدی
ممتاز دارد واز نوادر روزکار بوده رحمه الله **دیکر مولانا**
اعظم اعلم العلما فی العالم مولانا جلال الدین یوسف
الحلاج از اکابر ایمهٔ دین وافاضل اجلهٔ صدق ویقین
وماهر در علوم منقوله ومعقوله وقدر وسیع صاحب
کمال بود ومعنی وافی ووجد وحال کافی داشت واکثر ایمه
هراة ومدرسان آنجا یا شاکرد آنجناب یا شاکرد شاکرد
اویند تاریخ فوتش بر لوح قبر او نوشته ومدفنش حظیره
امام رازی رحمه الله **دیکر مولانا اکمل العلما والفقها**
فی العجم السایر صیت فضله فی الالسنة والافواه مولانا

صفی الملة والدین عطاء الله الخوافی از متبحران عصر خود ومتعینان
بوده وبکمال علم وتقوی وجمال فضل وفتوی اشتهار
داشت مدتها مدید در قبة الاسلام بنشر علوم دینی
وبث رسوم قدیمی ویقینی اشتغال نمود وباخر دعوة
حق را لبیک اجابت فرمود مدفنش حظیره امام فخر الدین
رازی رحمه الله **دیکر فقیه زاهد متورع مولانا ناصر الدین**
کوسوی از متعینان روزکار خود بود در علم فقاهت
وپیوسته بتذکیر ونصیحت مشغول بوده مدفنش در حظیره
مذکوره ودرین حظیره بسیاری از اشراف وایمه اطراف
مثل مولانا صدر الدین امام ومولانا عبد الرحیم
ابهری ووالد مولانا اعظم اعلم العلما فی العالم
مولانا سیف الملة والدین احمد الابهری ومولانا جنید

خجندی و مولانا محمد پدر و مولانا علیشاه طبسی مدفون اند
رحمهم الله ذکر مرتضی اعظم اقدم سید یونس از اعزه
سادات و اشراف و محدث یگانه و فصیح زمانه بود مدتی
حضرت امام فخر الدین رازی قدس سره مفخر مشایخ سلطان
ذکر شیخ الاسلام و مرشد الانام حجة الله علی الخلایق بالاتفاق
شیخ جمال الحقیقة والطریقة والتقوی والدین ابو اسحق
المرشدی الکازرونی از متعینان اقطاب روزگار و صاحب
مهارت در فنون علوم و شاگرد و مرید شیخ الاسلام و
المسلمین بلاشک و اشتباه نهنگ اولیا شیخ الملة والدین
علی کلاه بود و مشایخ سند حدیث بسیار دیده بزرگوار
قدوة المحدثین اسوة المفسرین قبلة الواصلین شیخ جلال
الملة والدین احمد المحدث المرشدی و برادر نامدار شیخ

الاسلام و کهف البرایا اجمعین امام ائمة الدین الجامع بین
العلم والعمل خلاصة الاصفیا نقاوة الاتقیا شیخ
عفیف الملة والدین جنید رحمة الله علیهم در اکثر
مشایخ شریک بود و تصرفی که آن حضرت در قلوب خواص
و عوام میفرمود مقدور هیچکس از اولیاء متاخرین
نبود از شیراز خاقان سعید بدر خواست تمام بدیدن
آنحضرت میفرمود عمر عزیز در اکثر اوقات بخلوت و انزوا
و مطالعه و تحقیقات میگذرانید و اکثر عوام و خواص
ملازمت آستانه ایشان می بودند و بدر خواست و مبالغه
تمام گاه گاهی بار می یافتند وجود و کرم و فضل و حکم
ایشان درجه قصوی و مرتبه اعلی داشت عمر شریف به
نود سال رسید و در سال هشتصد و بیست و هشت از هجرت

روح نازنینش با علی علیین منتقل شد مدفنش در جوار حظیره
شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس الله سرهما و
شرح کمالات و کرامات او طول و عرضی دارد دیگر شیخ
سالک ناسک پیر قوام الملة والدین التبریزی در طریق
تجرید و توکل و تفرید یگانه زمان خود بود و پیوسته باوراد
و اذکار ماثوره قیام می‌نمود و همتی عالی داشت و بصحبت
شیخ جمال الدین سیبی و شیخ کمال الدین خجندی و اقران
ایشان رسیده بود وفاتش در صفر سنه ثمان و عشرین
و ثمانمایه و مدفنش در طریق زیارت خواجه ابوالولید
احمد در حریم نهر انجیل بر کناره راه رحمه الله دیگر مولانا شیخ
الاسلام فی الزمان مولانا شرف الدین عثمان از نوادر روزگار
بود قرائت سبعه و وقوف سجاوندی استحضاری داشت

و بزهد و ورع میگذرانید و اکثر حفاظ هراة و توابع از و اخذ
قرائت کردند تفسیر بس مبارک داشت تاریخ انتقال نیک
محقق نشد اما مدفنش در زیارتگاه هیبت رحمه الله دیگر
مولانا اعظم املح المذکرین ناصح المسلمین مولانا جمال
الدین واعظ هروی از فحول وعاظ بود مدتها در مدینه نصیحت
مسلمانان میگذرانید و تفسیری جمع کرد در هفت مجلد
جامع بسیاری از کتب مفسران و بنیکو معمر شد چنانکه
در اواخر از سخن گفتن باز ماند در سنه ثلث و ثلثین
از دنیا رحلت کرد و در صحرای کازیارگاه بر پشته که به تل
کنج مشهور است مدفون شد رحمه الله دیگر شیخ زاهد
سالک شیخ عبدالله خلوتی پیری نورانی با صفا بود و در خانقاه
خلوتیان بذکر و سلوک مدتهای مدید گذرانید و در سنه

ثلث وثلثین وثمانمایه از دنیا نقل کرد و در حظیرهٔ خلوتیان
میان دو جوی مدفون است ذکر مولانا اعظم بحر
الحقایق والحکم افضل المتبحرین بین الامم الواصل الی الله
رحمة الملک الوافی مولانا رکن الملة والدین محمد الخوافی
از متعینان روزگار دوست و از افاضل هر ملک و دیار و عالم
بعلوم ظاهره و باطنه و مرید شیخ الاسلام و مرشد
الانام بلا اشتباه شیخ زین الملة والدین علی بن محمد بن
کلاه و از اقران شیخ الاسلام والمسلمین شیخ عفیف
الدین جنید و اخوه العیانی والمحقق الصمدانی بالاتفاق
شیخ جمال الملة والدین ابواسحق و مولانای اعظم قدوة
الافاضل فی العجم مولانا جلال الملة والدین ثابت
و موالی فالی و غیرهم من العلماء والمتبحرین بود و در تصوف منتهی

و تواریخ و فضل و سایر علوم اصول و عوام می بود و حج الاسلام
کنارده و نصیحت بسیاری از اکابر رسیده و مسافرت
وافی فرموده و در اواخر حال اکثر ایام در ولایت بسر
می برد و گاهی بشهر هراة تشریف میداد و در فیه الاسلام
یوم الاحد سابع و عشرین شوال سنه اربع و ثلثین
و ثمانمایه بجوار رحمت ارحم الراحمین پیوست و
در اندرون حظیرهٔ شیخ خواجه عبدالله انصاری قدس
سره در پیش روی مرقد الحضرت مدفون شد رحمه الله
ذکر مولانا اعظم افضل الفقهاء فی العجم مولانا فصیح
الملة والدین محمد بن محمد المشهور بعلاء الغوری الاصل المفتی
ببقیة الاسلام از متعینان علما و فقهاء هراة و سالها
بسیار مدار فتوی مذهب امام اعظم بر او بود و پیوسته

بنشر علم اصول و فروع اشتغال نمود و عمر عزیزش را بهشتاد
و یک بگذشت و در سنه سبع و ثلاثین و ثمانمایه فوت
شده و مدفنش در حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری
روح الله روحه در پایین قبر آن حضرت واقع شده دیگر
شیخ زاده اشکیبانی از جملهٔ نازنینان عهد خود بود و
خرقه ارادت از دست شیخ الاسلام ابوبکر الخوافی پوشیده
و سلوک وافی کشیده بود و وعظ گرمی موثر میگفت
گاه گاهی بشهر تشریف میداد و اهالی قبهٔ الاسلام از انفاس
متبرکهٔ او حظ میگرفتند و حضرت شیخ الاسلام قدس
سره با او نظری تمام داشت و اوقات خود را بتوکل
و تسلیم میگذرانید و وفاتش در ثمان و ثلثین و ثمانمایه
و مدفنش در قریهٔ اشکیبان سفلی معروفست دیگر مرتضی

اعظم سالک ناسلکه بابای سید علی شبه غالی از زهاد
روزگار و متعینان ارباب ریاضت و مجاهدت بود
و پیوسته اربعینات می نشست و خلوت میداشت و خرقه
او بسید علی همدانی میرسید و طریقهٔ بغایت پسندیده داشت
وفاتش سال طاعون سنه ثمان و ثلثین و ثمانمایه
و مدفنش قریب بلخ آهو در باغچه و خانه که خود عمارت
کرده بود رحمه الله دیگر شیخ الاسلام و مرشد الانام
و کعبة الخواص و العوام خاتمة الاقطاب و المحققین اسوة
جماهیر السالکین للنجی الی رحمة ربه الوافی شیخنا و شیخ الکل
زین الحق و الحقیقة و الشریعة و التقوی و الدین ابوبکر الخوافی
از اکابر اهل ارشاد و متعینان علم سلوک و افراد روزگار بود
و در علوم ظاهره و باطنه ید طولی داشت و مسافرت

بسیار فرموده وهفت نوبت حج الاسلام گذارد ومشایخ
حرمین شریفین ومصر وشام دریافت مثل شیخ زین الملة
والدین بن العراقی وشیخ جلال الدین خجندی وغیرهما
من المتبحرین ودر علم سلوک وارشاد طالبان راه حق
کسی باو نرسید وبر منهج سنت وجماعت وطریقه شیخ
شهاب الدین سهروردی ثابت وراسخ بود وپیوسته
در قمع ملاحده وبدمذهبان میکوشید در مصر وشام و
روم وعجم وایران وتوران مریدان او منتشر وبسیارند
وتصانیف ومکاتیب ارشادیه او در میان است وطریقه
عبادت وریاضت واربعینات از متاخران باو منتهی
شد واورا در جزیره وعصره او میمنتی تمام دارد وقلوب
خواص وعوام را صفا بنظرش میبخشد اکثر اوقات در

زیارتگاه بهرمی برد ودر اواخر حال در گوشه کوه ونوخی
گذاره زاویه بساخت درویش آباد نام ودران موضع
مکرراً باربعین نشست وغلبه درویشان وطالبان
ملازمت او نمودند وعمر شریفش از هفتاد گذشته بود
ودر سال طاعون سنه ثمان وثلثین وثمانمائه وفات
یافت ودر محل دفن آنحضرت اختلافات متنوعه واقع
شد والحالة هذه در جوار عیدگاه هراة مدفونست وروز
بروز در ترقی است رحمة الله علیه تا باد چنین
باد ازین نیز نکوترم آمین رب العالمین ذکر شیخ الاسلام
وزبدة المحدثین شیخ سعد الملة والدین ابوسعید الکازرونی
المرشدی از زهاد ومتعینان فقها واهل حدیث بود و
سندش بدیدن بزرگوار قدوة ارباب الحدیث فی عصره

واو از شیخ جلال الدین احمد محدث و برادران عالیمقدارش
شیخ الاسلام والمسلمین شیخ عفیف الدین جنید و شیخ
المحققین بالاستحقاق شیخ جمال الدین ابو اسحق قدس الله
تعالی ارواحهم وعزیزان ایشان از مشایخ و علما و متعینان
متصل شده و پیوسته بنشر علوم شرعیه قیام می فرمود
وبقصد ملازمت برادر نامدار از شیراز بهراة منتقل شد
شد و اینجا بماند و شیخ جمال الدین ابو اسحق سجادهٔ ارشاد
باو حواله فرمود و در سال طاعون در هراة وفات یافت
ومدفنش بیرون حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبدالله
انصاری است نزدیک بقبر شیخ جمال الدین ابو اسحق رحمهما
الله دیگر مولانا اعظم قدوة الناصحین زبدة المحدثین مولانا
جمال الملة والدین محمد بن محمد بن عبدالله القاینی از متبحران و متعینان

عصر خود بود و میفرمود نسبت من منتهی میشود بمفتی عمر نسفی
ومدتهای مدید در مقصورهٔ هراة بنصیحت مسلمانان بتقدیم
میرسانید و وقت حافظه بس عجیب داشت چنانچه اکثر
محفوظات او مکتوب شدی خلایق در ورطهٔ حیرت
افتادندی و در اواخر حال او خاقان سعید منصب
احتساب قبة الاسلام بدستوری که در اوایل شیخ الاسلام
قوهستان و توابع باو تفویض نموده بود مفوض ساخت
و در قمع بد مذهبان سعی بسیار بجا می آورد وفاتش سنه
ثمان وثلثین وثمانمائة ومدفنش در قریهٔ جاغرتان قرب
مسجد جامع که در آن قریه خود بنا کرده دیگر مولانا اعظم
بقیة الاکابر والعلماء مولانا شمس الملة والدین محمد المحقق
المدقق العلامة استاد الکل فی الکل المستغنی عن

الاطالة فی الالقاب لسمو النفس وعلو الجناب المحقق الربانی
مولانا سعد الملة والدین التفتازانی کریم الاخلاق وبکانه
روزگار وسالها در هراة مقدم علما و فضلا بود عمرش
قریب بهشتاد رسید و در سالهای طاعون وفات یافت
مدفنش در حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری
در مقبرهٔ قضاة امامی رحمهم الله دیگر مولانا اعظم
علامة العلماء فی العجم مولانا ضیاء الملة والدین نعمة الله
الخوارزمی از متبحران علما و متعینان فضلا بود و در فنون
علوم فروع و اصول و عربیه ماهر و مؤلفات مشهوره
در هر فن ازو مانده و مدت مدید در قبة الاسلام بنشر
علوم قیام نمود و در اواخر حال خاقان سعید منصب
خطابت مسجد جمعه شهر هراة با و مفوض ساخت و چند سال

بآن کار خطیر اشتغال فرمود که هیچ جمعه خطبه
مکرر نخواند هر روز آدینه از خانه تا مسجد که می آمد خطبه
انشا میکرد در سال طاعون بجوار ارحم الراحمین
پیوست مدفنش در حظیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبد
الله انصاری پایین قبر آنحضرت متصل بقبر مولانا فصیح
الدین محمد علا رحمهما الله دیگر درویش بالک فیاض بی
شک و اشتباه درویش عبدالله از متعینان وقت خود بود
و در میان خلق پنهان و در سرادق اولیائی تحت قبابی
لا یعرفهم غیری متمکن در بازار فیروزآباد اندرون
شهر هراة دکانی نوائی داشت و پیوسته در دکان که نشسته
بود قرآن میخواند و ارواح طیبه و جنیان بسیار مسخر
او بودند و از شاگردان مولانا اعظم ظهیر خلوتی بود

وثاق در محلهٔ خلوتیان داشت و هر سه شنبه بقبهٔ مختار میرفت
و با غیبیان انجا صحبت میداشت و خوارق کرامات
از و بسیار و بی شمار دیده میشد عمرش بهشتاد رسید و
در سال طاعون وفات یافت مدفنش حظیرهٔ خلوتیان و بر
سر قبر شریف او فیض پیوسته ریزانست رحمه الله دیگر مرتضی
اعظم سید زین العابدین مجذوب از متعینان وقت
و افاضل روزگار و حدیث بر سید علی همدانی و فقه
بر سید مبارک شاه هروی خوانده بود و در اواخر مجذوب
شد و از بسیاری با مجذوبان مثل عبد الرحمن کهواره کر
و محمود طوسی و فخر الدین بابی و غیرهم نشست و خواست
میکرد بحر جوار وجذبه رسید و مدتها در کوه بسر می برد و مشهورست
که عمرش از صد و بیست بگذشته بود تاریخ وفاتش محقق نشده و مدفنش

در تل قطبان است دیگر درویش مجذوب حیران حق بابا زکریا
مدتهای مدید در سر خرابان نشسته بود و بسیار خوارق از و مشاهده
میرفت و در میان مجذوبان شهرت داشت مدفنش در همان محل
که می نشست معروف و مشهورست دیگر مولانا اعظم اسناد العلماء
فی عصره و زمانه مولانا سعد الحق و الدین الفارسی از متعینان
روزگار و شاگرد سلطان المحققین سید شریف الملة و الدین
الجرجانی و در علوم معقوله و منقوله صاحب کمال بود
و مدتهای مدید در مدرسهٔ غیاثیه نشر علوم فرمود و طاعتی
بر دوام و توجهی بنظام داشت و از دامن او بسیار طالب
علم در رسیدند و تهجد از و هرگز فوت نشد و دعای سیفی
و ادعیهٔ ماثوره بسیار میخواند و در ماوراء النهر بخدمت
مریدان خواجه علاء الدین عطار مشرف شده بود و شق

درویشی از ایشان کسب کرده مدفنش در حظیره امام فخر الدین
رازی معروفست دیگر مولانا و شیخ الاسلام افضل الزهاد و مرشد
الانام فی العصر مولانا شمس الدین محمد بن خواجه ابوبکر از متعینان
زمان خود بوده و بعلم و تقوی و زهد و فتوی از اماثل
واقران امتیاز تمام داشت مسکنش قریه سنا و جرد از بلوک کذره
و پیوسته اهالی مملکت از خواص و عوام بزیارت او میرفتند
و بفاتحه و دعای او و تبرک میجستند و عظی کرم و بنصیحت میفرمود
علم ظاهرش بتعرف باطن آراسته بود عمر عزیزش بهشتاد
رسید و وفاتش در سنه ثمان و اربعین و ثمانمایه و مدفنش
در دشت یلان دیگر درویش مجذوب مرغوب باباحسن ترک
در مبداء حال سپاهی نوکری میکرد و ظلم و تعدی از وصادر
میشد نوبتی بتحصیل مقداری مال رفته بود اخی محمود

طوسی او را سیاستی فرمود چون بهراة مراجعت کرد مال
فرود آورد و بعد از آن اسب و سلاح و جهتی که داشت
در سر قول الجبل بدرویشان بخشید و پوستی پوشید و بکورستان
خدایان رفت و انجا ساکن شد جذبه او را فروگرفت حالاتیه
برو غالب بود و نظری قوی داشت و اهالی هراة از ترک
و تاجیک بدیدن او میرفتند و از وفیض میگرفتند و معروف شد
مدفنش در شرقی خدایان در منزلی که او می بود و پیوسته
جمعی فقرا آنجا ملازم اند دیگر ابدال مجذوب باباجمال از اعزه
مجانین بود و در مبداء حال مکتب داری میکرده بعد از آنکه
جذبه باو رسید حیران شد و اکثر اوقات در میان جویهای
آب می بود و در زمستان و تابستان جو پاک میکرد
و بطریقی که در حین مکتب داری در مخیله او قرار گرفته بود

حروف تهجی سوره قرآن میخواند و بدعاء مأثور بعد از ختم
قیام می‌نمود و بسیار رقوی مشرب بود بعضی که با و اخلاص
داشتند او را بخانه خود می‌بردند و یکروز و دو روز نگاه
میداشتند گاه بودی که در خانه دیگر یکی گفتی این مرد
را عزیز دارید و مرا به تنگ می‌آرد فی الحال برجستی و از آن منزل
بیرون رفتی و هیچکس التفات ننمودی و هیچ نوع
او را تسکین نتوانستندی داد بکرات و مرات این معانی
ازو مشاهده رفته مدفنش در نزدیک بازار اسب و اشتر
محوطه و اندک عماراتی ساخته اند و زیارتگاه مجرب است
دیگر بابای حیز کیز از بدلای وقت خود بود و اکثر اوقات
در کوهستان خدایان بسر می‌برد مدفنش در شرقی خدایان
واقع شده **دیگر پیر سرخ** از اعزه دوستان حق بود در زمستان

و تابستان و برف و باران بر دکه در سر سه راه کوچه ساقیان
متصل ممر عام نشسته بود و پای او زخمی داشت و وضو می
ساخت و نماز میگذارد و از هیچ کس چیزی نمیطلبید
جمعی که بر حال او وقوف داشتند گاهی مقداری طعام
پیش او می‌بردند اگر شبهه در آن بودی تناول نکردی
و اگر شبهه نداشتی در آن تصرف نمودی و اکل کردی قبرش
در همان محل است که در حین حیات می‌نشست **دیگر بابای
کیلانی** از ملامتیان بود مدت مدید در گلخن حمام امیر
علیکه که در بیرون در عراق واقع است بسر می‌برد
بعد از آن بجر غلنک رفت و در جوار باغ زبیده قریب قریه
معولان تکیه ساخت و بعضی از اراضی آن موضع را
صالح عمارت کرده اند و در اواخر حال طریقه صموت

اختیار کرد و هر چند وقت بطریقی بر می آمد و پیوسته
جمعی قلندران و ملامتیان او ملازم او بودند و مردم
شهر بدیدن او میرفتند و پیوسته دیگ پالائی داشت
مدفنش در همان محل که خود اختیار نموده بود و خوارق
عادات از و ظاهر میشد دیگر مولانا اعظم مولانا سراج
الدین المولتانی از متعینان زهاد وقت و جامع میان
علم و عمل و مربی تربیت شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین
الملة والدین ابو بکر الخوافی و منظور نظر خاص آن بزرگ دین
و بعد از وی قایم مقام و مقتدای مریدان او بود و طریقه
بغایت عالی داشت در فقر و سلوک و ولایت او بر همه کس
ظاهر مینمود و بطرز سلف حیات میگذرانید مدفنش در
حظیرهٔ شیخ ابو بکر خوافی دیگر مرتضی اعظم افتخار النقباء فی العجم

سید شمس الملة والدین محمد بن الاشرف از اکابر سادات و متعینان
اشراف و صاحب وجاهت تمام و زهد و تقوی با نظام
بود و خاقان سعید او را همواره بر ارباب عمایم رتبه
الاسلام تقدیم میفرمود و مکارم اخلاق فراوان داشت
و بغایت واجب التعظیم می نمود وفاتش سنه خمسین و ثمانمائه
هجریه و مدفنش در خیابان محاذی عمارت فرقن دیگر شیخ الاسلام
و کهف الانام و ملجاء الخواص والعوام قبلة السالکین بعلو
الهمة و سمو النظر شیخ بهاء الملة والتقوی عمر از مریدان
خال خود شیخ محمد بن شاه فراهی و عالم بعلوم ظاهر و باطن
و مرشدی بسیار بلند همت و صایم الدهر و مشرف القلوب
والقبور و معتقد فیه سلاطین و حکام و ملاذ و ملجاء
خواص و عوام بود مولدش فراه و در هرات نشو و نما یافت

وکارش بغایت رسید و کمالات و مقامات او درین مختصر
کجا بیان نتوان کرد غرض اصلی آنکه برسم تیمن و تبرک اسم مبارکش
مذکور شود والا شرح اوصاف بزرگی او ع نتوان نوشت
ور بنل صد مجلد بیت در ایام سلطنت امیرزاده بابر دعوت
حق را اجابت فرمود و نقدی که داشت بخلف صدق خود
گذاشت و با علی علیین و جوار ارحم الراحمین انتقال
نمود مدفنش در حظیره که بر شمال عیدگاه واقع است
و مخصوص باینان و طیب هوا و حسن صفای آن منازل
از خلد برین میدهد و فی الحقیقه ماوی حقیقه آنحضرت
فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر است ذکر مولانا
و شیخ الاسلام عارف عالم کامل زمان و معدن صدق
و عرفان منظور انظار عنایت ربانی مولانا جلال الملة

والدین الکرمانی از متعینان روزگار و اولیاء کبار بود جامع
میان علم ظاهر و باطن و مرتبی نظر تربیت شیخ الاسلام
و مرشد الانام بالاتفاق شیخ جمال الحق والدین ابواسحق
الکازرونی المرشدی و میان شیخ و ارواح اولیاء عظام
سفارت می‌نمود و اخبار عجیبه می‌آورد و می‌برد و سلوک
بس وافی کشیده تا بمقصد اصلی رسیده و کشوف او بصحت
موصوف و اخبارش بصدق معروف بود همواره کسب
شعربافی مینمود و از کد یمین معیشت خود و عیال
پیدا میکرد و در وقتی خاص بدرس طلبه مشغول میشد
و توجه دایم داشت و نور بنیره او از حضور دلش خبر میداد
در حظیره مولانا فخرالدین رازی در خلف پنجره که محیط
بقبر مولانا فخر است و فیض وافی از روح او بزایران میرسد

ذکر مولانا و شیخ الاسلام سعید قدوة العرفاء اسوة
الکبراء فی عهده و او ابنه مولانا سعد الملة والدین الکاشغری
از اکابر اولیاء الله بوده و بطریقه خواجگان عطار و خواجه
بهاء الدین نقشبند سلوک میفرمود و در انجمن بخلوت میکذرانید
و مقامی بغایت شکرف داشت و معتقد فیه جمیع اعزه
و حکام و خاص و عام بود مدفنش در مزار ابوبکر خوافی بیسار
حظیره که خاصه بجهة او تعیین نموده است ذکر مجذوب
عارف باعتکیر سید غیاث الدین از اهل کمال بود و سخنان
کالنص فی القاطع واقع شد و معیبات برو مکشوف
میکشت و نظرا و حکم کیمیای احمر داشت و فاتش سنه اثنتین
وستین وثمانمایه و مدفنش در حظیرهٔ خلوتیان میان دو جوی
ذکر مولانا ابویزید البورانی بطریقه سلف نخبا روش

اقطاب و ابرار و صحابه بکار میکرد رانید و مناقب علیه و شمایل
سنیه او بیش از آنست که در حیز بحث بر آید بصحبت
بسیاری از اکابر و علما و کبرا رسیده و بر نهج سنت و جماعت
و بی تکلف و متواضع و خیر محض و نفع خواص و عام و نیکو
خواه اهل سلام و جوینده صلاح زمرهٔ انام و پیوسته در در دولت
خانه او سفره کرم انداخته و فی الواقع قدر بندگی او شناخته
بود و حسن کرامات او بر وضیع و شریف ظاهر میکشت و هر کز
یک سنت و ادب از و فوت نمی شد و از استادان مرحمت
آشیان آنحضرت هیچ آفریده محرم و همباز نکشت و نظر خواص با
ملازمان حضرت خلافت پناهی خاقانی داشت چنانک
در ایام فتور همواره دلداری خلایق میکرد که خاطر جمع دارید
که عنقریب رایت دولت و عظمت پادشاه اسلام بمرافقت

فتح وظفر درین خطه نزول خواهد فرمود وباخواص خود
میگفت بمن نموده اند که عرصهٔ مملکت آن صاحب دولت
تا بکجا خواهد رسید امید که آنها را خلاص آن صاحب
دولت بروزگار همایون واصل گردد عمر شریفش بنود رسیده
بود ودر اواخر سنه اثنتین وستین وثمانمایه بجوار رحمت
حق انتقال فرمود مدفنش در مقبرهٔ فرنه پوران در تختگاه
که بجهت ایشان علی حده تعیین یافته دیگر شیخ الاسلام محمد
المشتهر بکوسویی از افاضل روزگار ومشایخ کبار وناصح ومشفق
جمیع مسلمانان وصاحب کشف وشهود وعارف بحقایق قرآن
وحدیث بود ودر هنگام وجد نظر مبارکش بر هر که افتادی
البته آنکس بیخود شدی وبطن تفسیر گفتن کسی باو نرسانیدی
در منبر وقتش بسیار خوش میشد ودر مجلس شریفش فتوحات

ربانی بر معارف مستمعان می پاشید واخلاص تمام واختصاص
با نظام نسبت با دولت با دولتخواهان حضرت خلافت پناهی
خاقانی داشت دران ولا که در هراة فترت واقع شده بود
ومجاهرهٔ مردم بیگانه بفسق وفجور واشتغال می نمودند
روز جمعه غالبا خواجه از حمام بیرون آمده بود در
راه بر منکرات بسیار وقوف یافتند وعظیم ملول شدند
بعد از نماز جمعه که مجلس میفرمود اتفاقا این فقیر دران
روز حضور داشته در اثنای وعظ استغراقی
واقع شد وحکایات بلند بر زبان ایشان بگذشت
دران میان بیان فرمودند علی ملاء الناس که عجب حالیست
جماعت اجنبی پیدا شده اند ودر مملکت دیگران بغیر حق تصرف
کرده اند تا باین غایت بی راهی وفجور می نمایند وخبر ندارند

که خداوند ملک عنقریب مظفر و منصور میرسد خلایق
متحیر شدند و با یکدیگر گفتند آیا مآل این حکایت بکجا رسید
این فقیران روز را تاریخ نوشت چهل روز نگذشت
که معسکر همایون حضرت خلافت پناهی در صحرای کازرگاه
نزول اجلال فرمود وفاتش در سنه ثلاث وستین
وثمانمایه مدفنش در قبله مسجد جامع شهر در همان
خانه که منزل ایشان بود در جوار خواجه مرغزی رحمهما
الله و ذکر این دو بزرگ بر یک نسق دو شاهد عدلیست
بر دوام سلطنت و نظام ابهت و فسحت مملکت
ارکان دولت حضرت خلافت پناهی خلد الله ملکه و
سلطانه آری بیت هرچه کند همت مردان کند کار نه این
گنبد گردان کند ذکر شیخ الاسلام جامع الکمالات مولانا

جلال الملة والدین محمود الامامی از اعیان اکابر قبة الاسلام
و بقیه اماجد قضاة اسلام بوده و مقتدای قبایل و اقوام
و خلیفه تابع بدر منیر سلطان سید احمد کبیر رفاعی
و اورا از کاریز بس عالی داشت و با اکابر و افاضل بسیار
صحبت داشته بود و جمیع محصولات اسباب موروثی خود را
صرف فقرا و مساکین احمدیه و مرشدیه و غیرهم میفرمود
و لقمه ارباب مناصب دینویه تناول نمیکرد عمرش قریب
بنود رسیده بود وفاتش در سنه ثلث وستین وثمانمایه
و مدفنش در حظیره مولانا فخر الدین رازی در جوار مشایخ
بسطامی ذکر بابا کوکی مجذوب دیوانه گرم بود و هیبتی
تمام داشت و سخنان تلخ بسیار میگفت و اورا از مشاهیر
مجذوبان میشمردند روزی شیخ زاده در سر پل انجیل میگذشت

بابا کوکی سنگی چند در دست داشت یکی از آنها را بطرف شیخ
زاده انداخت بر میان هر دو شانهٔ او خورد و عظیم متاذی شد
بگفت تا نوکرانش بابا را لت کردند سال بسر نکشید که دولت
ایشان منقضی شد و نه شیخ ماند و نه مریدان و برج اباحت
بیکبارگی خراب شد لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره
المجرمون وفاتش در سنه اربع و ستین و ثمانمایه و قبرش
در خیابان دیگر مولانا اعظم اعلم العلماء فی العجم مولانا شمس الملة
والدین محمد الجاجرمی از فحول علما و اعیان و فضلا و استاد اکثر
طلبه و کامل و متبحر بود و عقیدهٔ پاک و بدیهه بغایت خوب داشت
و مدت سی سال کتب متداوله مشکله مثل شرح قاضی عضد
عضد و شرح مواقف و شرحین مفتاح و کشاف بی مطالعه
درس میفرمود و بذهن وقاد و طبع ممتاز بود شاگردی مولانا

اعظم علامة العلماء فی العالم مولانا جلال الملة والدین یوسف
الحلاج رحمه الله نموده و ازو تربیت یافته عمرش از هشتاد
متجاوز شده بود وفاتش در سنه اربع و ستین و ثمانمایه و مدفنش
در تختگاه شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین ابوبکر خوافی
در جوار عیدگاه دیگر مولانا اعظم بقیة المشایخ والاماجد الکرام
مولانا زاهد طغلکانی از اعزهٔ روزگار و صلحاء نامدار و در علوم
صوری و معنوی صاحب اعتبار و متقی و عابد و متوکل و
زاهد بود و بر طریقهٔ زینیه سلوک میفرمود و مولانا اعظم
مولانا سراج الدین عالم با او نظر تمام داشت و فی الواقع از اکفا
و اقران خود ممتاز بود وفاتش در سنه اربع و ستین و ثمانمایه
و مدفنش در تختگاه شیخ زین الملة والدین الخوافی این بود اسامی
اکابر و اعیان و افاضل و اشراف و مشایخ و اقطاب که در خطه

هراة و بلوکات قریبهٔ شهر در بر ده‌اند و همواره مقصد زوّار و ملجا
و ملاذ کبار و صغار اهالی مملکت از خواص و عوام می‌باشند
و در فوشنج که از نواحی قبة الاسلام است و از قدیم الایام باز
مسکن مردم بوده و هست و بسیاری از اکابر و محدثان
و فضلا و بزرگان مثل بو الحسن فوشنجی و غیره مقبور اند و استیفاء
مزارات خراسان نمودن امر خطیر است و در تاریخ مکمّل که از
مؤلفات این فقیر است استقصاء آن واقع شده امل واثق
که بمیامن انظار عنایت و مساعدت اهتمام ارکان دولت
حضرت خلافت پناهی خاقانی کشورستانی خلّد الله ملکه و سلطانه
آن نسخهٔ شریفه و سایر تألیف این فقیر که مدتها است
که تا پس پردهٔ سواد مانده بر منصّهٔ ظهور و اظهار و در عرصهٔ
عرفان و اشتهار از منظور ملاحظه و مطالعهٔ روزگار

گردد و الله علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر خاتمهٔ
موعوده مشتمل بر عرض کلمه چند که انهاء آن بر این مسکین
واجب مثل ادای دین و استماع آنها حسب الامکان بمسامع
علیه نوّاب نامدار فرض عین است امید که بشرف قبول
مشرّف گردد انشاء الله تعالی بر مرآت ضمیر منیر مطیفان سرادقات
دولت و سعادت که سجنجل الارواح عوالم غیب و شهادتست
معروض میدارد که نعم نامتناهی حضرت الهی بمرتبهٔ بر مفارق
عظمت و ابهت ملازمان این آستان ظفر آشیان فایض
میگردد که عقول و افهام انام بادراک کیفیت و کمیت
آن نمی‌تواند رسید و بمقتضی قضیهٔ شرطیه لئن شکرتم
لازیدنّکم بر ذمت همت حجاب بارگاه کیوان پناه لازم

ومحتم است بتمهید قواعد شکر واجب العطایا اشتغال
نمودن تا مستجلب زیادتی گشته هر ساعت دولتی تازه
و هر لحظه تصرفی بی اندازه بروزگار همایون وصول یابد
وچون مقرر و معین است که این فتوحات لاریب بر ساحت
آمال و امانی معتکفان این عتبه سپهر مرتبه نزول می
نماید اگر بر طبق فرمان لازم الاذعان واحسن کما احسن
الله الیک عنان عاطفت بصوب تفقد اوضاع مستمندان
و جانب تعهد اسباب مسکینان معطوف دارند هر آینه
مستلزم استخلاد دولت دو جهان گردد و چون باعث بر
جمع این رساله توجه خاطر عاطر خدامست بتحقیق و تعیین
مراقد اولیا و اشراف تا بعد از معرفت مزارات آن
طایفه در هنگام ظهور مهمات استمداد بهمت حاجت آرزو

ایشان نموده مقاصد و مطالب و حاجات و مآرب بحصول موصول آید
آید بهمین منوال در چنین محال اگر بتربیه احوال احبا
که کسب کمال و ترقی بر مصاعد ابنا لشان متفق علیه است
پردازند یقین که اثر این معنی از حیز آن صورت کم نخواهد
بود ؎ چه جای کعبه که طوف دل گدایان کن • دلیست و گل تو ببین تا که چند
ما بین است بعد ایضاح این مقدمات عرضه داشت ارکان دولت
ابد پیوند می نماید که تقویت و تشییت شریعت مطهره محمدیه
علیه من الصلوات ازکاها و قواعد سلاطین معدلت
شعار ماضیه و کسب ذکر جمیل و ثنای جزیل و تاسیس سنت
چند حسنه که تا قیام قیامت مستمسک آیندگان باشد از مهمات
مناسب حال این دولت قاهره جان مینماید که چند از خیرات
بمساعدت اهتمام نواب کامکار فلک اقتدار ممضی و مجری شود

که سلاطین روی زمین دستور دولت خود شناسند و دلیل صدق

این معنی خبر معتبر من سنّ سنةً حسنةً کافی و وافیست. شعر

بقیت بقاء الدهر یا کهف اهله ۰ وهذا دعاءٌ للبریة شاملٌ

خدایا تو این شاه درویش دوست ۰ که آسایش خلق در ظل اوست

بسی بر سر خلق پاینده دار ۰ بتوفیق طاعت دلش زنده دار

آمین رب العالمین تمّت الکتاب

بعون الملک الوهاب فی شهور سنه

ثمان و ستین و تسعمایه

من الهجرة النبویه

علیه الصلوة و

السلم

م